



سلسله مباحث مہدویت

دفاع از مہدویت



علی اصغر رضوانی



مہدویت
ظاہر و باطن
امام علیؑ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



<input type="checkbox"/> دفاع از مهدویت	■ نام کتاب:
<input type="checkbox"/> علی اصغر رضوانی	■ مؤلف:
<input type="checkbox"/> امیرسعید سعیدی	■ صفحه آرا:
<input type="checkbox"/> انتشارات مسجد مقدس جمکران	■ ناشر:
<input type="checkbox"/> تابستان ۱۳۸۵	■ تاریخ نشر:
<input type="checkbox"/> اول	■ نوبت چاپ:
<input type="checkbox"/> سرور	■ چاپ:
<input type="checkbox"/> ۳۰۰۰ جلد	■ تیراژ:
<input type="checkbox"/> ۴۰۰۰ تومان	■ قیمت:
<input type="checkbox"/> ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۰۲۲ - ۲	■ شابک:

<input type="checkbox"/> انتشارات مسجد مقدس جمکران	■ مرکز پخش:
<input type="checkbox"/> فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران	
<input type="checkbox"/> ۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۴۰ ، ۷۲۵۳۷۰۰	■ تلفن و نمابر:
<input type="checkbox"/> ۶۱۷	■ قم - صندوق پستی:

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

دفاع از مهدویت

تألیف: علی اصغر رضوانی

فهرست مطالب

۷	مقدمه ناشر
۹	پیشگفتار
۹	توجیه اول
۱۱	توجیه دوم
۱۱	توجیه سوم
۱۲	توجیه چهارم
۱۳	اولین تشکیک در مهدویت
۱۴	نقد اجمالی
۱۵	جواب تفصیلی
۱۵	۱- عمومی بودن عقیده نجات
۱۶	۲- فطری بودن اعتقاد به مهدویت
۱۸	اجماع مسلمین بر ظهور مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۹	اشاره قرآن به ظهور منجی در آخر الزمان
۲۲	پدید آمدن مدعیان مهدویت
۲۵	نمونه‌ای از مدعیان
۲۸	شعرای مهدویت در طول تاریخ اسلام
۲۸	امام علی <small>علیه السلام</small>
۳۰	زید بن علی بن الحسین <small>علیه السلام</small>
۳۱	امام صادق <small>علیه السلام</small>
۳۱	تأیید امام رضا <small>علیه السلام</small>
۳۲	امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۲	ابن ابی الحدید معتزلی
۳۳	محبی الدین بن عربی
۳۴	محمد بن طلحة شافعی
۳۵	صدرالدین قونوی
۳۶	شیخ عبدالرحمن بسطامی
۳۸	فضل بن روزبهان

۳۹	محمد بن طولون
۴۰	کمیت بن زید اسدی
۴۲	تالیفات در قضیه مهدویت
۴۲	شروع تألیف در مورد امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۲	روش های تألیف در موضوع مهدویت
۴۳	یک - روش روایی
۴۸	دو - روش کلامی و برهانی
۴۹	سه - روش مقارنی
۴۹	چهار - روش تحلیلی تاریخی
۵۰	پنج - روش مقارنی بین ادیان
۵۰	شش - روش تحلیل فلسفه تاریخ
۵۱	هفت - ضعف احادیث مهدویت
۵۱	کلمات مخالفین
۵۳	نقد کلمات مخالفین
۵۹	تواتر احادیث فریقین بر ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۶	روایات صحیح السند
۶۸	راویان احادیث ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> از صحابه
۷۱	قائلین به صحت احادیث مهدویت
۷۵	حکم منکر مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۶	پاسخ به شبهات
۷۶	شبهه اول: عدم تخریح مسلم و بخاری
۸۳	شبهه دوم: تقلید در نقل
۸۴	شبهه سوم: تعارض در احادیث
۸۵	شبهه چهارم: وقوع شیعه در سند روایات
۸۶	شبهه پنجم: اعتقاد به مهدویت منشأ انحراف جامعه!!
۸۸	شبهه ششم: اعتقاد به مهدویت، منشأ بی تحرکی جامعه
۸۹	سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می‌کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می‌دانند، در صدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده‌اند و با پوچ‌گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده‌اند، بر آن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حق جل و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات
مسجد مقدس جمکران
حسین احمدی

پیشگفتار

با وجود ادله قطعی فراوان بر اصل قضیه مهدویت و اتفاق نه تنها امت اسلامی بلکه جمیع ادیان و مکاتب غیردینی بر ظهور منجی بشریت در آخرالزمان و آثار و فوایدی که بر آن مترتب می‌شود، مشاهده می‌کنیم که برخی از روشنفکران اسلامی به تبع از مستشرقین منکر اصل این قضیه مسلم برآمده‌اند. اینک به توجیحات آن‌ها پرداخته و به طور کلی از همه آن‌ها پاسخ می‌گوییم.

توجیه اول

گروهی بر این عقیده‌اند که اعتقاد به مهدویت در جامعه اسلامی نتیجه فشارهای سیاسی است که بر مستضعفین در جامعه اسلامی خصوصاً شیعی پدید آمده است.

۱- «فان فلوتن» می‌گویند: «جور و ستم دولت عباسیان از هنگام به حکومت رسیدن کمتر از دولت امویان نبوده است، این جور و ستم‌ها به حدی بود که مستضعفین و مظلومین را بر آن واداشت تا خود را امیدوار کنند، لذا چاره‌ای ندیدند جز این که به عقیده مهدی و انتظار ظهورش دل ببندند، تا بتوانند از شدت تألمات روحی خود بکاهند...»^۱

۱. السیادة العربية، ص ۱۳۲.

۲ - «دونالدسن» می‌گوید: «احتمال جدی است که اختناق و فشارهای سیاسی که در مملکت اسلامی از طرف حاکمان بنی امیه پدید آمد از اسباب ظهور نظریه مهدویت در آخر الزمان بوده است».^۱

۳ - «احمد امین مصری» می‌گوید: «عامل اساسی در پیدایش عقیده مهدویت نزد شیعه و اصرار بر آن، فشارهای سیاسی و مصایبی بود که بعد از شهادت امام علی علیه السلام و به حکومت رسیدن معاویه، با آن روبرو شدند. و این مصایب با بیعت حسن بن علی علیه السلام و پس از آن شهادت حسین بن علی علیه السلام و از هم پاشیده شدن حرکت‌های ضد اموی و قوت گرفتن شوکت و حکومت دولت امویین، شدت گرفت. لذا در صدد برآمدند تا تاکتیک خود را تغییر داده از دعوت آشکار صرف نظر کرده، به دعوت سزی برای ریشه کن کردن ظلم روی آورند. و به این نتیجه رسیدند که این دعوت بدون کوشش فراوان در مدتی طولانی ثمر نخواهد داد. لذا چاره‌ای ندیدند جز آنکه طرفداران خود را به نقطه‌های امیدوار سازند، این امید همان امام غائب یا به تعبیر دیگر مهدی منتظر محمد بن حنفیه یا محمد بن حسن عسکری یا عبیدالله مهدی، طبق اختلافاتی که در فرقه‌های شیعی است، بود».^۲

۴ - «محمد عبدالکریم عثوم» می‌گوید: «واقع آن است که عقیده به مهدی قبل از وقوع غیبت امام پدید آمده و پرورش پیدا کرد، و این به صورت دقیق در واقعه کربلا و بعد از تفرق و تشتت شیعه به توسط دولت اموی بوده است. این وضعیت نابهنجار برای شیعه، زمینه را برای پذیرش عقیده مهدویت فراهم

۱. عقیده‌الشیعه، ص ۲۳۱.

۲. ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۴۱.

ساخت، تا آنان را از وضعیت موجود نجات بخشد. در نتیجه آرزوی مهدویت آرزویی شیعی بود که اثر منفی در زندگانی شیعیان داشت، اگرچه آنان را از این وضعیت موجود نجات می داد.^۱

توجیه دوم

برخی از مستشرقین معتقدند که این حالت یعنی انتظار نجات به توسط منجی مخصوص روحیه شرقی‌ها به طور عموم است، که اصل و اساس و حقیقتی ندارد.

«فان فلوتن» می‌گوید: «روحیه شرقی به طور عموم دائماً متمایل به خبرهای غیبی است و علاقه فراوانی به کشف پرده‌های غیبی از آینده مجهول دارد، لذا اعتقاد به مخلص به تعبیر آنان یا منقذ به تعبیر دیگر با طبیعت شرقی ملایمت و انس دارد. و این در نتیجه تاریکی‌های جهل و استبداد است که پدید آمده است...»^۲

توجیه سوم

برخی نیز معتقدند که عقیده به مهدی و مهدویت از افکاری است که از جوامع دیگر و اصول غیراسلامی وارد جامعه اسلامی شده است:

۱ - «جولد زیهر» می‌گوید: «بازگشت عقیده به مهدی به اصول و مبانی

۱. النظرية السياسية المعاصرة للشیعة الامامية الاثني عشرية، ص ۸۶

۲. السیادة العربية والشیعة والاسرائیلیات فی عهد بنی امیه، فان فلوتن، ص ۱۰۷.

غیر اسلامی است، و در حقیقت این عقیده از اسطوره‌ها و از امور غیر واقعی می‌باشد»^۱.

۲ - استاد دانشگاه الازهر «سعد محمد حسن» - شاگرد احمد امین - می‌گوید: «شیعه قدیمی‌ترین فرقه اسلامی است که به این نظریه خیالی عقیده پیدا کرده است»^۲.

۳ - «سائح علی حسین» نویسنده لیبیایی می‌گوید: «عقیده و نظریه غیبت عقیده‌ای است مشترک میان یهود و نصارا، و تأثیرپذیری فکر شیعی از این دو مصدر بعید نیست؛ زیرا بسیاری از غیرعرب و صاحبان ادیان و تمدن‌های پیشین، اسلام را تحت لواء شیعی انتخاب کردند، تا بتوانند در زیر پوشش حقوق اهل بیت علیهم‌السلام حکومت اسلامی را سست کنند، و پیشتاز آنان عبدالله بن سبا بود»^۳.

۴ - «دکتر عبدالرحمن بدوی» می‌گوید: «کعب الاحبار کسی بود که عقیده به مهدی منتظر را در بین مسلمین منتشر ساخت...»^۴.

توجیه چهارم

برخی معتقدند که عقیده و نظریه مهدویت، ناشی از پیاده نشدن حکومت جهانی اسلام در عصر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است.

«دکتر سلمان بدور» - رئیس بخش فلسفه در دانشگاه اردن - در مورد منشأ

۱. العقیده والشريعة فی الاسلام، ص ۲۱۸. ۲. المهدیة فی الاسلام، ص ۴۸.

۳. تراثنا وموازن النقد، ص ۱۸۴. ۴. مذاهب الاسلامیین، ج ۲، ص ۷۶-۷۷.

رواج پیدا کردن عقیده و نظریه مهدویت در تاریخ مسلمین می‌گوید:
 «حکومت پیامبر ﷺ صورت مجسم مدینه فاضله‌ای بود که اسلام و ادیان
 و مکاتب نوید آن را داده بودند. آرزوی بسیاری از مسلمانان این بود که در
 همان عصر این مدینه فاضله در سرتاسر عالم گسترش پیدا کند، ولی این آرزو
 تحقق نیافت، ولی هرگز از ذهن متفکرین اسلامی خصوصاً جامعه شیعه
 امامی بیرون نرفت».^۱

اولین تشکیک در مهدویت

در تاریخ می‌خوانیم: معاویه در وقتی به جماعتی از بنی هاشم خطاب کرده
 گفت: «این که شما گمان می‌کنید پادشاهی هاشمی و مهدی قائم از آن شما
 است، عقیده‌ای باطل است، بلکه مهدی همان عیسی بن مریم است، امر
 خلافت به دست ما است تا آن را به او تسلیم کنیم».^۲

ابن عباس از جمله کسانی بود که در آن جمع حضور داشت، در مقابل این
 تحریف تاریخی و بازی کردن با یکی از عقاید مسلم دینی سخت ایستاده و به
 مقابله پرداخت. او خطاب به معاویه گفت: «...اما این که گفتی ما گمان داریم که
 برای ما حکومتی است که مهدی ﷺ حاکم آن است، جواب آن است که این
 گمان شرک است، همان گونه که خداوند متعال می‌فرماید: **وَزَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا**

۱. دراسته عن الفرق فی تاریخ المسلمین، احمد محمد جلی، ص ۲۲۲.

۲. کشف الغم، ج ۱، ص ۴۲۴. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۵۶.

أَنْ لَّنْ يُبْعَثُوا^۱ در حالی که همه شهادت می‌دهند که برای ما ملک و حکومتی است. اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی باشد خداوند متعال کسی از ما را می‌فرستد تا زمین را پر از عدل و داد کند همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد....

و اما این که می‌گویی: مهدی همان عیسی بن مریم است، عیسی کسی است که برای مقابله با دجال فرستاده می‌شود، و هرگاه دجال او را می‌بیند نابود می‌شود، ولی امام از ما کسی است که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و نماز می‌خواند...»^۲.

نقد اجمالی

دکتر عبدالجبار شراره محقق شیعی در مقدمه کتاب «بحث حول المهدی» می‌گوید: «آنچه جای تعجب است این که برخی از مدعیان علم و معرفت از قدیم الایام و در این زمان در صدد ایجاد تشکیک در جامعه اسلامی برآمده و موجبات تشویش افکار جامعه را فراهم کرده‌اند، و این تنها به جهت قصور فهم آنان از درک اسرار این عقیده - مهدویت - و مقاصد عالی آن است و یا این که اسباب و اغراض دیگری دارند که ما از آن آگاهی نداریم. آنان از مستشرقانی از قبیل: «جولدزیهر»، «فلهاوزن»، «فان فلوتن»، «مکدونالد»، «برناردلویس»، «مونتگری وات» و «ماسیتینون» پیروی می‌کنند با وجود این که ادعای مسلمان بودن را دارند. و خوشبختانه هیچ‌گونه دلیلی که آن‌ها را تأیید

۱. سوره تغابن، آیه ۷.

۲. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۵۷.

کند ندارند، بلکه دلیل بر خلاف مدعای آنان و برهان آشکار و قطعی بر صحت عقیده مهدویت دلالت دارد؛ زیرا به طور متواتر ثابت شده که در آخرالزمان مهدی علیه السلام ظهور خواهد کرد، همان گونه که جماعتی از اهل سنت از قبیل برزنجی و شوکانی و دیگران مدعی این تواترند.

تعجب اینجاست که اینان برای تثبیت مدعای خود به همان ادله‌ای تمسک کرده‌اند که منکرین خبرهای غیبی قرآن بر آن تأکید کرده‌اند... همان گونه که مسأله معراج پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار می‌کنند. با تأمل در افکار و شبهات و اشکالات آنان پی می‌بریم که اینان همان ادعاهای دشمنان اسلام را با بیانی دیگر تکرار می‌کنند، کسانی که از علم به دور هستند و هیچ گونه اطلاع و آشنایی با علم حدیث - نه روایت و نه درایت - ندارند، و بیشترین جهل و نادانی یا عناد را نسبت به تاریخ و حقایق آن دارا می‌باشند...»^۱

جواب تفصیلی

از این توجیهات و احتمالات می‌توان جواب‌های متعددی داد که اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱ - عمومی بودن عقیده نجات

اعتقاد به این که در پایان تاریخ بشر، و در سایه رهبری کامل، مردم از این وضع موجود نجات پیدا خواهند کرد، و در سطح کل جامعه مدینه فاضله ایجاد خواهد شد، و زمین پر از عدل و داد خواهد گشت، عقیده و باوری است که نه

۱. بحث حول المهدی علیه السلام، ص ۱۶ - ۱۷.

تنها همهٔ ادیان بر آن اتفاق دارند و بشارت آن را به جامعهٔ بشری داده‌اند، بلکه مکاتب فلسفی غیر دینی نیز به اصل این باور معتقدند.

فیلسوف انگلیسی «برتراند راسل» می‌گوید: «عالم در انتظار مصلحی است که تمام کشورها را یک پارچه کرده و آنان را تحت یک پرچم و یک شعار قرار دهد»^۱

«پرفسور اینشتاین» - صاحب نظریهٔ نسبیت - می‌گوید: «روزی که صلح و صفا تمام عالم را فراگیرد و مردم با دوستی و برادری با یکدیگر زندگی کنند چندان دور نیست».^۲

۲ - فطری بودن اعتقاد به مهدویت

مرحوم «شهید صدر» می‌فرماید: «اعتقاد به مهدی تنها نشانگر یک باور اسلامی - با رنگ خاص دینی - نیست، بلکه افزون بر آن عنوانی است بر خواسته‌ها و آرزوهای همهٔ انسان‌ها با کیش‌ها و مذاهب گوناگون، و همچنین بازدهٔ الهام فطری مردم است، که با همهٔ اختلافات آن‌ها در عقیده و مذهب دریافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین روز موعودی خواهد بود، که با فرارسیدن آن، هدف‌نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد و مسیر آن، که در طول تاریخ پرفراز و نشیب بوده - به دنبال رنجی بسیار - هموار و استواری لازم را می‌یابد.

انتظار آینده‌ای این چنین، تنها در درون کسانی که با پذیرش ادیان «جهان غیب» را پذیرفته‌اند، راه نیافته، بلکه به دیگران هم سرایت کرده است. تا آنجا

۱. تأثیر علم اجتماع، ص ۵۶.

۲. مفهوم نسبیت، ص ۳۵.

که می‌توان انعکاس چنین باوری را در مکتب‌هایی که جهت‌گیری اعتقادی‌شان با سرسختی وجود غیب و موجودات غیبی را نفی می‌کنند، دید. برای مثال، در ماتریالیسم دیالکتیک که تاریخ را بر اساس تضادها تفسیر می‌کند، روزی مطرح است که تمامی تضادها از میان می‌رود و سازش و آشتی حکمفرما می‌گردد....

چنین ایمانی تنها مایه دلداری و شکیبایی نیست، بلکه آفریننده یک سرمایه روحی بزرگ است که نیروی دفاعی جاودانه‌ای را سبب می‌شود، و مبارزه با ستم و ستمبارگی را - هرچند که بر همه گیتی چیره باشد - همیشه ممکن جلوه می‌دهد، زیرا چنان پرتویی از فروغ امید را بر دل‌ها می‌افکند که همواره در روح آدمی، ظلمت ناامیدی را نابود می‌کند و به سوی این اعتقادش می‌کشاند؛ که اگر رخدادهای دهشتناک به روی هم انباشته گردند و جهان در دل تاریکی‌ها و ستم فرو رود، باز هم باید مشعل امید را در دل روشن داشت و به سوی عدالت رفت؛ زیرا وجود روز موعود نشان می‌دهد که عدالت، توانایی روبروشدن با جهانی پر از ستم و بیداد را نیز دارد، و می‌تواند بنیادهای ظلم را - هرچند ریشه دار و قوی - به لرزه درآورد، و برگسترده جهان بیداد زده چیرگی یابد. همچنین گویای این حقیقت است که ستم به ناچار درهم خواهد شکست، حتی آن زمانی که برفراز برترین قلّه‌های توانمندی باشد، بنابراین، به فرد ستم زده و هر توده ستم کشیده، امیدی بزرگ می‌بخشد که خود را بر دگرگون سازی بنیادها و بازسازی جامعه توانا ببیند...»^۱

اجماع مسلمین بر ظهور مهدی علیه السلام

مهدویت و ظهور مهدی موعود در آخرالزمان عقیده‌ای است که مسلمانان با توجه به اختلاف مذاهبی که دارند بر آن متفق اند، و هرگز به مذهب خاصی اختصاص ندارد، زیرا جمیع امامیه، زیدیه، مالکیه، حنفیه، شافعیه، حنبلیه و وهابیه و دیگران بر این قضیه اتفاق دارند که در آخرالزمان شخصی از عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قیام کرده و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. عده زیادی از علمای اهل سنت تصریح کرده‌اند که این عقیده مورد اتفاق مسلمین است. و نه تنها از آن اطلاع دارند بلکه این قضیه را از اعتقادات خود می‌دانند. و حتی برخی از فقهای اهل سنت فتوا به وجوب قتل کسی داده‌اند که منکر مهدی است. و بعضی گفته‌اند که باید او را تعزیر و تأدیب نمود تا به حق و صواب بازگردد، همان گونه که از «ابن حجر» هیتمی رسیده است.

«ابن خلدون» با عنادی که نسبت به این عقیده دارد می‌گوید: «مشهور بین مسلمانان در طول تاریخ آن است که در آخرالزمان مردی از اهل بیت علیهم السلام ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کرده و عدل را در سطح جهان گسترش خواهد داد...»^۱

«احمد امین» نیز با وجود انکارش نسبت به اصل مهدویت، این عقیده را از عقائد مسلم اهل سنت می‌داند که به آن ایمان دارند.^۲

۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۵۵. ۲. المهدی والمهدویة، ص ۱۱۰.

اشاره قرآن به ظهور منجی در آخر الزمان

با مراجعه به قرآن پی می‌بریم که آیات بسیاری به این موضوع پرداخته است.

۱ - «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱ «خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آن‌ها را خلیفه در روی زمین قرار می‌دهد، همان‌گونه که پیشینیان را خلافت بر روی زمین بخشید، و دین پسندیده را برپا خواهد کرد، و خوف آن‌ها را به امنیت مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را بر من شریک نخواهند ساخت، و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند».

۲ - «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۲ «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه آیین‌ها غالب گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند».

۳ - «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۳ «ما در (زبور) بعد از (ذکر) نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».

۲. سوره توبه، آیه ۳۳.

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۴ - «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ «اراده ما بر این قرار گرفته که به مستضعفین زمین منت بگذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان (روی زمین) قرار دهیم».

۵ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۲ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببینند) می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست».

۶ - «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۳ «با آنان پیکار کنید تا فتنه برچیده شود و دین همه مخصوص خدا باشد و اگر آن‌ها خودداری کنند خدا به آنچه انجام می‌دهند بینا است».

۷ - «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۴ «(یاران خدا)

۲. سوره مائده، آیه ۵۴.

۴. سوره حج، آیه ۴۱.

۱. سوره قصص، آیه ۵.

۳. سوره انفال، آیه ۳۹.

کسانی هستند که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا کرده و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست».

۸ - «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرِيَاهُمْ؟»^۱ «آیا جز این انتظار دارند که قیامت ناگهانی برپا می‌شود، پس نشانه‌های آن آمده است، اما هنگامی که بیاید تذکر آن‌ها سودی نخواهد داشت».

۹ - «وَلَوْ تَرَى إِذُ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ؟»^۲ «اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می‌شود، اما نمی‌توانند (از چنگال عذاب الهی) بگریزند و آن‌ها را از مکان نزدیک می‌گیرند».

۱۰ - «وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ؟»^۳ «او سبب آگاهی در روز قیامت است، هرگز در آن تردیدی نیست و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است».

برای شرح و تفصیل این آیات به کتاب قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام مراجعه شود.

۲. سوره سبأ، آیه ۵۱.

۱. سوره محمد صلی الله علیه و آله، آیه ۱۸.

۳. سوره زخرف، آیه ۶۱.

پدید آمدن مدعیان مهدویت

دکتر عبدالجبار شراره می‌گوید: «به حدی عقیده مهدویت در جامعه اسلامی رسوخ کرده که حتی برخی افراد از این عقیده مسلم سوء استفاده نموده و ادعای مهدویت کرده‌اند، ولی خوشبختانه با گذشت زمانی نه چندان دور، باطلشان آشکار شده و سریع مفتضح شده‌اند. دکتر احمد امین در کتاب «المهدیة فی الاسلام» در صدد برآمده که این مسأله را از عوامل و اسباب طعن بر عقیده مهدویت و اصالت آن به حساب آورد، ولی صحیح، عکس آن است؛ زیرا ادعای مهدویت از افراد در طول تاریخ، دلیل بر حقانیت اصل این عقیده و رسوخ آن در میان جامعه است. اگر چنانچه این نظریه صحیح باشد که ادعای دروغین سبب بطلان یک حقیقت است، باید نبوت انبیا را نیز انکار کنیم؛ زیرا در طول تاریخ انبیا افرادی پیدا شدند که دروغین ادعای نبوت کردند»^۱.

مرحوم شهید مطهری می‌گوید: «اولین باری که می‌بینیم اثر اعتقاد مهدویت در تاریخ اسلام ظهور می‌کند، در جریان انتقام مختار از قتله امام حسین علیه السلام است. جای تردید نیست که مختار مرد بسیار سیاستمداری بوده و روشش هم بیش از آنکه روش یک مرد دینی باشد روش یک مرد سیاسی بوده است، البته نمی‌خواهیم بگوییم مختار آدم بدی بوده یا آدم خوبی بوده است، کار به آن جهت نداریم. مختار می‌دانست ولو این که موضوع انتقام گرفتن از قتله سیدالشهداء است و این زمینه، زمینه بسیار عالی است، اما مردم

تحت رهبری او حاضر به این کار نیستند. مسأله مهدی موعود را که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر داده بود مطرح کرد به نام محمد بن حنفیه بن امیرالمؤمنین و برادر سیدالشهدا، چون اسمش محمد بود، زیرا در روایات نبوی آمده است: «اسمه اسمی» نام او نام من است. گفت: ایها الناس! من تایب مهدی زمانم، آن مهدی ای که پیغمبر خبر داده است. مختار مدتی به نام نیابت از مهدی زمان، بازی سیاسی خودش را انجام داد. حال آیا محمد بن حنفیه واقعاً خودش هم قبول می کرد که من مهدی موعود هستم؟ بعضی می گویند: قبول می کرد برای این که بتوانند انتقام را بکشند. ولی این البته ثابت نیست. در این که مختار محمد بن حنفیه را به عنوان مهدی موعود معرفی می کرد شکی نیست، و بعدها از همین جا مذهب «کیسانیه» پدید آمد. محمد بن حنفیه هم که مرد گفتند: مهدی موعود که نمی میرد مگر این که زمین را پر از عدل و داد کند، پس محمد بن حنفیه نمرده است، در کوه رضوی غایب شده است.

ابوالفرج اصفهانی می گوید: وقتی خبر شهادت زید بن علی بن الحسین به زهری رسید گفت: «چرا این قدر این اهل بیت علیهم السلام عجله می کنند؟! روزی خواهد رسید که مهدی از آنها ظهور کند»...

طرفداران محمد بن عبدالله محض معروف به «نفس زکیه» به جهت قیام بر ضد حکومت اموی، حضرت صادق علیه السلام را در جلسه ای دعوت کردند و به ایشان گفتند: ما می خواهیم قیام کنیم، شما هم که سید حسینیین هستید، بیعت کنید. امام فرمود: «هدف شما از این کار چیست؟ اگر محمد می خواهد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر قیام کند، من با او همکاری می کنم

و تأییدش می‌نمایم، ولی اگر می‌خواهد به این عنوان که او مهدی این امت است قیام کند، اشتباه می‌کند، مهدی این امت او نیست، کسی دیگر است، و من هرگز تأیید نمی‌کنم».

شاید تا حدودی مطلب برای خود محمدبن عبدالله محض هم اشتباه شده بود؛ زیرا هم اسم پیامبر بود، یک خالی هم در شانهاش بود. مردم می‌گفتند: نکند این خال هم علامت این باشد که او مهدی امت است. بسیاری از کسانی که با وی بیعت کردند، به عنوان مهدی امت بیعت کردند. معلوم می‌شود که مسأله مهدی امت آنقدر در میان مسلمین قطعی بوده است که هرکس که قیام می‌کرد و اندکی صالح بود. افرادی می‌گفتند: این همان مهدی ای است که پیغمبر گفته است، اگر پیغمبر نمی‌گفت این طور نمی‌شد.

حتی ما می‌بینیم یکی از خلفای عباسی اسمش مهدی است، پسر منصور، سوّمین خلیفه عباسی... مورّخین و از جمله «دارمستر» نوشته‌اند که منصور مخصوصاً اسم پسرش را «مهدی» گذاشت برای این که می‌خواست استفاده سیاسی کند، بلکه بتواند یک عده را فریب بدهد، بگوید آن مهدی ای که شما به انتظار او هستید پسر من است، و لهذا «مقاتل الطالبیین» و دیگران نوشته‌اند که گاهی با خصیصین خود که روبرو می‌شد به دروغ بودن این مطلب اعتراف می‌کرد....

جریان‌های دیگری در تاریخ اسلام می‌بینیم؛ از جمله یکی از فقهای مدینه به نام «محمدبن عجلان» با محمدبن عبدالله محض بیعت کرد...

منصور بعد از رسیدن به خلافت این مرد فقیه را خواست و بعد از آن که ثابت شد که او بیعت کرده است، دستور داد دست او را ببرند. فقهای مدینه جمع شدند و شفاعت کردند و به منصور گفتند: او تقصیر ندارد، او مردی است فقیه و عالم به روایات، گمان کرده که محمد بن عبدالله محض مهدی امت است، و لذا با او بیعت کرده، وگرنه با تو قصد دشمنی نداشته است.

این است که می‌بینیم در تاریخ اسلام موضوع مهدی موعود از مسائل بسیار مسلم و قطعی است.

حضرت صادق علیه السلام پسری داشت به نام اسماعیل که «اسماعیلیه» منتسب به او هستند. اسماعیل در زمان حیات حضرت از دنیا رفت. حضرت اصحابشان را صدا زدند، کفن را باز کردند، صورت اسماعیل را نشان دادند و فرمودند: این اسماعیل پسر من است، فردا ادعا نکنید که او مهدی امت است و غایب شد. این‌ها همه نشان می‌دهد که زمینه مهدی امت در میان مسلمین به قدری قطعی بوده است که جای شک و تردید نیست.^۱

نمونه‌ای از مدعیان

اینک به برخی از کسانی که ادعای مهدویت کرده یا در حق آنان چنین ادعایی شده اشاره می‌کنیم:

۱. محمد بن حنفیه که مختار در حق او ادعای مهدویت نمود.^۲

ولذا فرقه کیسانیه که در قرن اول و دوم می‌زیستند مدعی مهدیت محمد بن حنفیه بودند.

۱. مجموعه آثار.

۲. وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۲.

۲ - موسی بن طلحه: ابن سعد می‌گوید: مردم در شأن او ادعای مهدویت شده‌اند.^۱

۳ - ابوهاشم فرزند محمد بن حنفیه: نوبختی می‌گوید: گروهی معتقد شدند که او قائم و مهدی امت است.^۲

۴ - عمر بن عبدالعزیز: ابن کثیر به سند خود از وهب بن منبه نقل می‌کند که می‌گفت: اگر در این امت مهدی علیه السلام باشد به طور حتم عمر بن عبدالعزیز است.

۵ - عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر: ابن حزم می‌گوید: بعد از هلاکت عبدالله بن معاویه خزیه دو فرقه شدند: گروهی معتقد بودند که او زنده است و در کوه‌های اصفهان به سر می‌برد و نمی‌میرد تا این که متولی امور مردم شود و زمین را پر از عدل و داد گرداند و او مهدی منتظر است...^۳

۶ - اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام: که گروهی از مردم مرگ او را انکار کرده و قایل به مهدویت او شدند، آن‌ها معتقدند که او نمی‌میرد تا این که حاکم بر تمام روی زمین شود...^۴

۷ - محمد بن عبدالله بن حسن: که در سال صد هجری ادعای مهدویت نمود، بزرگان خطاً اعتزال امثال عمرو بن عبید، واصل بن عطاء، حفص بن سالم، و دیگران مردم را به بیعت با او دعوت می‌نمودند...^۵

۲. فرق الشیعة، ص ۳۱.

۱. طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۱۶۲.

۴. فرق الشیعة، ص ۶۷، الفصل، ج ۴، ص ۳۶.

۳. الفضل، ج ۴، ص ۳۶.

۵. کافی، ج ۵، ص ۲۳، ح ۱.

۸ - ابوالفرج اصفهانی می نویسد: «کسی شک نداشت که او مهدی است، و حتی گروهی از بنی هاشم نیز با او بیعت کردند...»^۱
مهدی عباسی: منصور عباسی لقب فرزندش را مهدی گذاشت تا مردم را از این طریق اغفال کرده و به اعتقاد مهدویت با او بیعت کنند...^۲

۱. مقاتل الطالبین. ص ۱۵۸.

۲. مقاتل الطالبین. ص ۱۶۲.

شعرای مهدویت در طول تاریخ اسلام

یکی از قزاین و نشانه‌های قطعی بودن یک موضوع آن است که شعرا آن را در طول تاریخ به شعر درآورده و قصیده‌ها درباره آن می‌سرایند، که قضیه مهدویت از این قبیل است. اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

امام علی علیه السلام:

حضرت علی علیه السلام در رابطه با فرزندش امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

۱ - فله دره من امام سمیدع

يذلل جيوش المشركين بصارم

۲ - و يظهر هذا الدين في كل بقعة

و يرغم انفس المشركين الغواشم

۳ - و يا ويل اهل الشرك من سطوة الفنا

و يا ويل كل الويل لمن كان ظالم

۴ - ينقى بساط الارض من كل آفة

و يرغم فيها كل من كان غاشم

۵ - و يأمر بمعروف و ينهى لمنكر

و يطلع نجم الحق على يند قائم

۶ - و ينشر بسط العدل شرقاً و مغرباً

و ينصر دين الله رأس الدعائم

۷ - و ماقلت هذا القول فخراً و اثماً

قد اخبرنى المختار من آل هاشم

۱ - آفرین بر امام دلیری که لشکرهای مشرکین را با شمشیر بزان به ذلت

می‌کشاند.

۲ - و این دین را در هر سرزمینی آشکار می‌سازد و بینی مشرکان ستمکار را

به خاک می‌مالد.

۳ - ای مشرکان! وای از چیره شدن فنا و نابودی و صد وای بر کسی که ستمگر

بوده است.

۴ - پهنه زمین را از هر آفتی پاک می‌کند و بینی هر ستمکاری را به خاک

می‌مالد.

۵ - امر به معروف و نهی از منکر می‌کند در حالی که ستاره حق به دست قائم

طلوع می‌کند.

۶ - و بساط عدالت را در شرق و غرب (عالم) می‌گستراند و دین حق را در رأس

همه امور یاری می‌کند.

۷ - این سخن را برای این که افتخاری برای ما باشد نگفتم، بلکه سخنی است

برگزیده از آل هاشم (یعنی محمد بن عبدالله ص) که به من خبر داده است.

و نیز در مورد علائم ظهور خطاب به فرزندش امام حسین ع می‌فرماید:

۱ - بنی اذا ما جاشت التبرک فانظر

ولایة مهدی یقوم و یعدل

- ۲ - وَ ذَلَّ مَلُوكَ الْاَرْضِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ
 وَ بَوَّعَ مِنْهُمْ مَنْ يَلْدُ وَ يَهْزُلُ
 ۳ - صَبِيٌّ مِنَ الصَّبِيَّانِ لَارَاىَ عِنْدَهُ
 وَ لَاعْتَدَهُ جَدًّا وَ لَاهُوَ يَعْقِلُ
 ۴ - فَثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنْكُمْ
 وَ بِالْحَقِّ يَأْتِيكُمْ وَ بِالْحَقِّ يَسْعَمَلُ
 ۵ - سَمَى نَبِيَّ اللَّهِ نَفْسِي فِدَاؤُهُ
 فَسَلَاتُخَذَلُوهُ يَا بَنِيَّ وَ عَجَلُوا

۱ - پسرم! زمانی که (قبائل) ترک مضطرب و آشفته شدند، منتظر ولایت

مهدی باش که قیام خواهد کرد و در میان مردم به عدالت رفتار خواهد نمود.

۲ و ۳ - (آن زمانی که) پادشاهان روی زمین از آل هاشم ذلیل و خوار شوند

و کسی از ایشان بیعت بگیرد که اهل خوشگذرانی و لهو لعب است، کودکی که رأی

و تدبیر و عقل ندارد و در کارهایش جدی نیست.

۴ - در این هنگام است که قائم به حق از شما ظاهر شود و حق را می آورد و

بدان عمل می کند.

۵ - او هم نام پیغمبر خدا است، جانم فدای او باد، ای پسرانم! او را خوار نکنید

و در نصرت و یاری او تعجیل نمایید.

زید بن علی بن الحسین علیه السلام

او نیز اشعاری را در شأن حضرت مهدی علیه السلام سروده است که به بخشی از

آن اشاره می کنیم:

- ۱ - نحن سادات قریش
وقوام الحق فینا
- ۲ - نحن الانوار الّتی
من قبل کون الخلق کنا
- ۳ - نحن منا المصطفی ال
مختار و المهدی منا
- ۴ - فینا قد عرف الله
وبالحق اقمنا
- ۵ - سوف یصلاه سعیر
من تولى اليوم عنا

۱- ما سادات قریشیم و پشتیبان و حامی حق در میان ما است.

۲- ما انواری هستیم که قبل از خلقت بوده ایم.

۳- ما (جماعتی هستیم) که مصطفای برگزیده و مهدی از ما هستند.

۴- به وسیله ما خداوند شناخته می شود و ما به حق قیام می کنیم.

۵- به زودی به آتش افکنده شود کسی که امروز از ما روی گردان شود.

امام صادق علیه السلام

آن حضرت در مورد حکومت فرزندش مهدی علیه السلام می فرماید:

لکلّ أناس دولة یرقبونها و دولتنا فی آخر الدهر تظهر^۲

برای هر گروهی از مردم دولتی است که انتظار آن را می کشند و دولت ما در

آخر الزمان ظاهر خواهد شد.

تأیید امام رضا علیه السلام

دعبل بن علی خزاعی در رثای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قصیده‌ای

را به نام (قصیده تائیه) سروده است و این همان قصیده‌ای است که امام

رضا علیه السلام برای سرودن آن به دعبل آفرین گفته و به او صله داده است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۰۲، ح ۷۷. ۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۳.

این قصیده طولانی و از صد بیت متجاوز است. ما در این قسمت به چند بیت از آن بسنده می‌کنیم:

- ۱ - خروج امام لامحالة خارج يقوم على اسم الله و البركات
- ۲ - يميز فينا كل حق و باطل و يجزي على النعماء و النقمات^۱

۱ - امید من به خروج امامی است که حتماً ظهور می‌کند و به نام خدا همراه با انواع برکت‌ها قیام می‌کند.

۲ - حق و باطل را از هم جدا نموده بر خوبی‌ها و بدی‌ها پاداش و کیفر می‌دهد.

امام حسن عسکری علیه السلام

عیسی بن فتح از امام حسن عسکری علیه السلام پرسید: ای مولای من! آیا برای شما فرزندی است؟... حضرت این دو بیت شعر را قرائت کردند:

- ۱ - لعلک يوماً أن ترانی کأنما بنی حوالی الاسود اللواید
- ۲ - فان تمیماً قبل أن یلد الحصى اقام زماناً و هو فی الناس واحداً^۲

۱ - شاید روزی مرا با فرزندان (نیرومندان) به گونه‌ای ببینی که گویی شیران بیشه‌گرد من حلقه زده‌اند.

۲ - تمیم قبل از این که همچون سنگ ریزه‌های بیابان صاحب فرزندان فراوان شود، مدتی در میان مردم تنها (بدون فرزند) زیست.

ابن ابی الحدید معتزلی

او اشعار فراوانی سروده است. بهترین و مشهورترین آن‌ها «قصائد غلویات سبع» اوست که در مدح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سروده است.

۱. فراند السطین، ج ۲، ص ۳۳۷؛ بیابیع الموده، ج ۳، ص ۳۰۹؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۳۹، ج ۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۷۵، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۰۳.

وی در قصیده ششم (قصیده عینیه) بعد از آن که در توصیف صفات بارز امیرالمؤمنین علیه السلام اشعار بسیار زیبایی را سروده است، به مسأله مهدی موعود و انتظار فرج اشاره می‌کند و در اشعار نغز خود، ظهور آن حضرت را قطعی می‌داند و انتظار آن روز را می‌کشد، آن‌گاه می‌گوید:

- ۱ - و رأیت دین الاعتزال و اننی أهدي لأجلک کل من یتشیع
 ۲ - و لقد علمت بانه لابد من مهديکم و لیومه اتوقع
 ۳ - یحمیه من جند الاله کتاب کالیم اقبل زاخراً یتدفع

۱- من معتقد به دین اعتزالم در حالی که به خاطر تو هر شیعه‌ای را دوست دارم

۲- به خدا سوگند! من (ظهور) مهدی شما را حتمی می‌دانم و انتظار آن روز را

می‌کشم.

۳- سپاهیان من از لشکر خدا همچون دریای خروشان منی که هیچ چیز در مقابل

امواج متلاطم آن تاب مقاومت ندارد، از وی حمایت خواهند کرد.

محبی الدین بن عربی

او که از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه است در مرسیه اسپانیا متولد شد و در

دمشق درگذشت. او در اشعاری درباره حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

- ۱ - اذا دار الزمان علی حروف بسم الله فالمهدی قاما
 ۲ - و یخرج بالحطیم عقیب صوم ألا فاقراء من عندی السلاماً

۱- هنگامی که روزگار بر حرفی دور زند؛ پس مهدی با نام خدا قیام خواهد کرد.

۲- او بعد از ماه روزه، از طرف حطیم کعبه خروج خواهد کرد. هان از جانب من

به آن حضرت سلام برسان.

محمد بن طلحة شافعی

او در کتاب با ارزش خود «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» در باب دوازدهم چنین سروده است:

۱ - فهذا الخلف الحجة قد ايدته الله

هداه منهج الحق و آتاه سجایاه

۲ - و اعلى في ذرى العلياء بالتأييد مرقاه

و آتاه حلى فضل عظيم فتحلاه

۳ - وقد قال رسول الله قولاً قد رويناه

و ذوالعلم بما قال اذا ادرك معناه

۴ - يرى الاخبار في المهدي جاءت بسماه

وقد ابداه بالنسبة و الوصف و سماه

۵ - و يكفي قوله متى لإشراق محياه

و من بضعته الزهراء مرساه و مسراه

۶ - و لن يبلغ ما اوتيه امثال و أشباه

و ان قالوا هو المهدي ما مانوا بما فاه

۱ - پس این جانشین و حجتی است که خداوند او را تأیید نموده است. او را به

راه راست هدایت کرد و سجایای خویش را به او عطا نمود.

۲ - و با نردبان تأیید الهی به بالاترین نقطه‌های بزرگی رسید. و زیورهای

فضیلتی عظیم به او مرحمت فرمود و آن حضرت هم لباس فضیلت را بر تن کرد.

۳ و ۴ - رسول خدا ﷺ سخنی فرموده که ما آن را روایت کرده ایم. و آن کس که به آنچه پیامبر ﷺ فرموده علم پیدا کند، هرگاه معنای سخن آن حضرت را درک کند خواهد دید که اخباری دربارهٔ علامات مهدی وارد شده و رسول خدا ﷺ نسبت و صفت و نام وی را آشکار کرده است.

۵ - گفتهٔ رسول خدا ﷺ کفایت می‌کند که می‌فرمود: نور صورت مهدی از نور من است. آن رسولی که پارهٔ تنش زهراء، محل وقوع و روانه شدنش (به علم وجود) است.

۶ - هیچ مثل و شبیهی به این مقامی که به مهدی دادم نخواهد رسید. و اگر بگویند او مهدی است در آنچه گفته‌اند دروغ نگفته‌اند.

صدرالدین قونوی

او از مشاهیر علمای عظام و از اکابر عرفای و الامقام بود. او دربارهٔ مهدی موعود اشعاری سروده که ذیلاً گزیده‌ای از آن ذکر می‌شود.

۱ - یقوم بأمر الله فی الارض ظاهراً

علی رغم شیطانین یمحق للکفر

۲ - یؤید شرع المصطفی و هو ختمه

و یمتد من میم بأحكامها یدری

۳ - علی یده محق اللنام جمیعهم

بسیف قوی المتن علیک ان تدری

۴ - حقیقة ذاک السیف و القائم الذی

تُعین للذین القویم علی الامر

۵ - أليس هو النور الأتم حقيقة

ونقطة ميّم منه امدادها يجرى

۶ - يُفيض على الأكوان ما قد افاضه

عليه إله العرش في أزل الدهر^۱

۱ - به فرمان خدا در روی زمین آشکارا قیام می‌کند و علی رغم دو

شیطان (انس و جن) کفر را از بین می‌برد.

۲ - شریعت مصطفی، خاتم انبیاء را از زمان حضرت محمد ﷺ (تا زمان

ظهورش) ادامه می‌یابد و به احکام آن واقف است، تأیید و پشتیبانی می‌کند.

۳ - نابودی همه اشخاص پست و لثیم به دست پرتوان و شمشیر محکم

و استوار اوست.

۴ - شاید تو از حقیقت آن شمشیر و آن قائمی که به فرمان حق برای (احیای)

آن دین استوار مشخص شود، آگاه شوی.

۵ - آیا در حقیقت او نور کاملتر و تمامتر نیست؟ در حالی که نقطه میّم از او

امداد می‌گیرد.

۶ - آنچه را که خداوند عرش در عالم ازل به او افاضه نموده بر عالم هستی

افاضه می‌کند.

شیخ عبدالرحمن بسطامی

شیخ سلیمان حنفی در کتاب «ینابیع المودة»^۲ می‌نویسد: «شیخ کبیر

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۴۰، الزام الناصب، ص ۹۵.

۲. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۳۷.

عبدالرحمن بسطامی مؤلف کتاب «درة المعارف» در شعر خود می گوید:

۱- و يظهر ميم المجد من آل احمد

و يظهر عدل الله في الناس أولاً

۲- كما قد رؤينا عن عليّ الرضا

وفي كنز علم الحرف اضحى محصلاً

۳- ويخرج حرف الميم من بعد شينه

بسمكة نحو البيت بالنصر قدعلاً

۴- فهذا هو المهديّ بالحق ظاهر

سيأتي من الرحمن للحق مرسلاً

۵- ويملا كل الأرض بالعدل رحمة

ويمحو ظلام الشرك والجور أولاً

۶- ولايته بالامر من عند ربه

خليقة خير الرسل من عالم العلاء

۱- ميم مجد و عظمت آل احمد (مهدی) ظهور می کند و عدل خداوند برای

اولین بار در میان مردم آشکار می گردد.

۲- چنانکه از علی بن موسی الرضا علیه السلام برای ما روایت شده و از گنجینه علم

حروف هم به دست می آید.

۳- و حروف ميم بعد از شين آن، در مکه از طرف کعبه با نصرت و برتری خارج

می گردد.

- ۴- این همان مهدی است که به حق ظهور می‌کند و به زودی از طرف خداوند رحمان برای (احیای حق) فرستاده خواهد شد.
- ۵- و با (اجرای) عدالت، عرصه زمین را سرشار از رحمت می‌کند و تاریکی‌های شرک و ستم را نخست نابود می‌کند.
- ۶- ولایت امر او از جانب پروردگارش می‌باشد و او جانشین بهترین پیغمبران از عالم بالاست.

فضل بن روزبهان

او که مردی شافعی مذهب است با وجود عناد و لجاج زائد الوصفی که در او است، قضیده‌ای در سلام بر چهارده معصوم شیعه دارد، او در بخشی از آن می‌گوید:

- | | |
|----------------------------|-------------------------------------|
| ۱- سلام علی القائم المنتظر | ابی القاسم القرم نور الهدی |
| ۲- سیطلع كالشمس فی غاسق | ینجیه من سیفه المنتضی |
| ۳- تری یملأ الارض من عدله | کما ملئت جور اهل الهوی |
| ۴- سلام علیه و آباءه | وانصاره ما تدوم السماء ^۱ |

- ۱- سلام بر قائم منتظر ابوالقاسم، آن سرور بزرگوار و نور هدایت.
- ۲- به زودی همچون آفتاب در دل تاریکی طلوع می‌کند و با شمشیر برکشیده‌اش اسلام را نجات می‌دهد.
- ۳- و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، هم‌چنان که از ستم هواپرستان پر شده باشد.

- ۴- سلام بر او و پدرانت و یارانش تا زمانی که آسمان پابرجاست.

۱. فضل بن روزبهان، اللاتی المنتظمة والدرر الثمینیة، ص ۷۹ و ۸۰.

محمد بن طولون

او دربارهٔ ائمهٔ معصومین علیهم السلام کتابی به نام «الائمة الاثنی عشر» تألیف کرده، و در آن اشعاری در رابطه با ائمهٔ دوازده گانهٔ شیعه آورده است و نیز خبر از ظهور مهدی علیه السلام در آینده می‌دهد.

- ۱ - علیک بالائمة الاثنی عشر
 - ۲ - ابوتراب، حسن، حسین
 - ۳ - محمدالباقر کم علم ذری
 - ۴ - موسی هو الکاظم و ابنه علی
 - ۵ - محمد التقی قلبه معمور
 - ۶ - والعسکری الحسن المطهر
- من آل بیت المصطفی خیرالبشر
 وبغض زین العابدین شین
 والصادق ادع جعفرأ بین الوری
 لقبه الرضا و قدره علی
 علی التقی درّه منشور
 محمد المهدی سوف یظهر^۱

۱- به ائمهٔ دوازده گانه که از دودمان بهترین انسان (یعنی محمد) مصطفی هستند جنگ بزن.

۲- (آن‌ها عبارتند از): ابوتراب، حسن و حسین، و بغض با زین العابدین چقدر زشت است.

۳- و محمدباقر که چقدر دانای علوم است، و صادق که او را در میان مردم جعفر بخوان.

۴- و موسای کاظم و پسرش علی، ملقب به رضا که دارای قدر و منزلت والایی است.

۵- و محمد تقی که قلبی سرزنده و آباد دارد، و علی تقی که گوهر او پراکنده شده است.

۱. الأئمة الاثنی عشر، ص ۱۱۸.

۶- و عسکری، آن حسن مطهر، و محمد مهدی که به زودی ظهور خواهد کرد.

کمیت بن زید اسدی

او که از شعرای طراز اول کوفه در عصر خود بود اشعاری در مدح پیغمبر و ائمه معصومین سروده است.^۱

او در ضمن اشعاری که در حضور امام محمد باقر علیه السلام در رثای شریف کربلاء سرود، به قیام مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اشاره می‌کند:

۱- أضحکني الدهر و ابکاني والدهر ذو صرف و أن

۲- لتسعة بالطف قد غودروا صاروا جميعاً رهن أن

۳- وستة لا يتجاري بهم بنوعقيل خير فرد

۴- ثم على الخير مولاهم ذكرهم هيج أحزان

۵- من كان مسروراً بمامتكم او شامتاً يوماً من ا

۶- فقد ذللت بعد عز فما أذفع ضيماً حين ا

۷- متى يقوم الحق فيكم متى يقوم مهديكم الثار

۱- روزگار مرا خندانید و به گریه واداشت؛ چرا که روزگار دارای

گوناگون و رنگارنگ است.

۲- گریه من برای آنه نه نفری است که در سرزمین طف (کربلاء) رها شد

حالی که همگی در گرو کفن‌ها بودند.

۳- گریه من نیز بر آن شش نفری است که کسی به پای آن هانمی رسد،

فرزندان عقیل، بهترین سوارکارانند.

۱. تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۶۹۷ ۲. کفایة الاثر، ص ۲۴۸.

- ۴ - آن گاه گریه من بر بهترین، یعنی بر مولای آنان است، یاد ایشان، غم‌های مرا تحریک کرده است.
- ۵ - چنانچه کسانی به واسطه آنچه به شما رسید خوشحال شدند یا این که روزی شما را شماتت کنند.
- ۶ - شما بعد از عزت خوار گشتید، در حالی که من هم به هنگام ظلم و ستم قدرت دفاع ندارم.
- ۷ - چه موقع، حق در میان شما حکمفرما می شود؟ و چه موقع مهدی دوم شما قیام خواهد کرد؟

تالیفات در قضیه مهدویت

با مراجعه به کتب تراجم و رجال و پی می‌بریم که تألیف در قضیه مهدویت حرکتی بنیادین بوده که نه تنها قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام در بین شیعه شروع شده، بلکه حرکتی مقدس نزد شیعه و سنی از بعد وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است. و این به نوبه خود دلیل بر آن است که اصل قضیه مهدویت از مسلمات مسائل اسلامی است، که مورد اتفاق بین مسلمین قرار گرفته است، و از مسایلی نیست که تنها بعد از عصر حیرت پدید آمده باشد، که جامعه شیعی بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به آن مبتلا بوده است.

شروع تألیف در مورد امام مهدی علیه السلام

به طور جزم می‌توان گفت که شروع حرکت تألیف در قضیه مهدویت به ظهور حرکت تدوین حدیث در تاریخ اسلامی؛ یعنی اوایل قرن دوم هجری بازمی‌گردد؛ زیرا از کتب رجال استفاده می‌شود که شروع تألیف در این زمینه در جامعه شیعی در عصر امام صادق علیه السلام بوده است. شیخ طوسی رحمته الله علیه در کتاب «الفهرست» نقل می‌کند که علی بن یقطین بن موسی بغدادی اسدی کوفی الاصل کتابی در ملاحم تألیف نمود.

روش‌های تألیف در موضوع مهدویت

در موضوع مهدویت با روش‌های گوناگون و متنوعی، بزرگان فریقین دست به تألیف و تصنیف زده‌اند. اینک به اشاره می‌کنیم.

یک - روش روایی

این روش از قدیمی‌ترین روش‌های تالیف در موضوع مهدویت است؛ و این امری است طبیعی؛ زیرا بسیاری از جزئیات قصه مهدویت از مصادیق بارز ایمان به غیب به حساب می‌آید که تنها راه رسیدن به آن سرچشمه‌های زلال وحی الهی یعنی کتاب و سنت است.

این روش قوت و اعتبارش را از قوت و اعتبار مصادر وحی الهی که همان قرآن و حدیث است اخذ می‌کند، بعد از آنکه به دلیل عقلی و اعجازی، مرجعیت و اعتبار این مصادر به اثبات رسیده است.

این روش بر اقسامی تقسیم می‌گردد:

الف - احادیث تفسیری: یکی از روش‌های روایی در بحث از قضیه مهدویت جمع احادیثی است که مربوط به آیات مهدویت است، آیاتی که در آن‌ها به گونه‌ای اشاره به قضیه مهدویت با تمام ابعاد گوناگونش شده است.

اعتبار این روش برگرفته از حجیت احادیث به عنوان مفسر و مبین قرآن است. زیرا مطابق نص قرآن کریم، رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبین حقیقی و واقعی قرآن است. و پرواضح است که در درجه اول مقصود تبیین تأویلات و بطون قرآن است که هرکس نمی‌تواند از ظاهر قرآن استفاده کند و این پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام هستند که به کنه تأویل و باطن قرآن رسیده‌اند، و گرنه ظاهر قرآن بر هر انسان عاقل قابل فهم است، زیرا خداوند امر به تأمل و تدبّر در آن نموده است.^۱

۱. قرآن در اسلام، ص ۳۵ - ۳۹.

و نسبت به اهل بیت علیهم السلام نیز می‌گوییم: خداوند از طرفی می‌فرماید: «لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۱ «به حقیقت قرآن نمی‌رسد و مس نمی‌کند آن را مگر کسانی که مطهر از هر رجس و پلیدی اند.» و از طرفی دیگر خداوند صغرای این کبرا را اهل بیت پیامبر علیهم السلام معرفی کرده است آنجا که می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۲ نتیجه این است که اهل بیت علیهم السلام به حقیقت قرآن دست یافته‌اند و لذا بیانات آن برزگواران در رابطه با آیات قرآن برای همگان حجت است.

در این زمینه کتاب‌هایی تألیف شده است از قبیل: کتاب ابن عیاش معروف به (مانزل من القرآن فی صاحب الزمان). و نیز از جمله کتاب‌هایی که جامع این گونه روایات است کتاب (المحجة فیما نزل فی القائم الحجة) از سیدهاشم بحرانی است، و بر آن استدراکاتی اضافه شده که سید بر آن اطلاع پیدا نکرده است. ایشان در آن کتاب حدود ۱۳۰ آیه را مورد بحث قرار می‌دهد که در ذیل آن‌ها روایاتی وارد شده که تاویل به امام مهدی علیه السلام و خصوصیات قضیه ظهور او شده است.

ب- احادیث موضوعی: قسمت دیگر از کتبی که در مورد احادیث مهدویت است کتبی است که در آن‌ها احادیث به طور مستقل در موضوع مهدویت جمع آوری شده است. این روش نیز به نوبه خود بر چند بخش تقسیم می‌شود.

۱- روش حدیثی نزد امامیه: شیعه امامی در تألیف احادیث موضوعی چند طریق را دنبال کرده است.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۱. سوره واقعه، آیه ۷۹.

الف - استناد به احادیث امامیه: در این روش مؤلف تنها به احادیثی توجه دارد که از طرق امامیه، و از اهل بیت علیهم‌السلام یا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است. این روش عملکرد قدمای از اصحاب ائمه علیهم‌السلام و منتهج بیشتر مؤلفین در عصر غیبت صغری و اوایل غیبت کبری است. از باب نمونه می‌توان به کتاب (تحقیق غیبة المنتظر وما جاء فیها عن النبی و الأئمة و وجوب الايمان) از تاج العلی الأشرف بن الأغزر بن هاشم العلوی الحسینی از علمای قرن هفتم هجری اشاره کرد.^۱

همین روش را مرحوم میرلوحی سبزواری از علمای قرن یازدهم هجری در کتاب «کفایة المهدی فی معرفة المهدی» و علامه مجلسی در «بحار الانوار» دنبال کرده است.

ب - تقویت به روایات اهل سنت: نوع دیگر از روش‌های حدیثی نزد امامیه در تألیف از موضوع مهدویت، تقویت احادیث شیعه امامیه به مرویات اهل سنت است. روایاتی که در این باره بوده و به همان مضمونی که شیعه نقل کرده در مصادر اهل سنت نیز وارد شده است.

هدف از این نوع تألیف اثبات عقیده امامیه با ادله‌ای است که الزام آور برای جمیع مسلمین باشد. همانند تألیفی که از شیخ علی بن عیسی اربلی صاحب کتاب (کشف الغمه) به جای مانده است. و نیز سیدبن طاووس در کتاب (الطرائف) و شیخ حرّ عاملی در (اثبات الهداة) و عده‌ای دیگر همین روش را در تألیفات خود درباره مهدویت دنبال کرده‌اند.

۱. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۶۱. الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۵.

ج - استناد به روایات اهل سنت: برخی دیگر از علمای شیعه که در این موضوع قلم زده‌اند تنها به روایاتی استناد کرده‌اند که از طرق اهل سنت رسیده است، و این به جهت اثبات عقیده مهدویت و احتجاج با اهل سنت به روایات خود آن‌ها است. از جمله کتاب‌هایی را که با این روش می‌توان نام برد کتاب (المهدی) از سید صدرالدین صدر، و کتاب (المهدی الموعود المنتظر) از شیخ نجم‌الدین عسکری است.

معلوم است که این روش و منهج هرگز نمی‌تواند موضوع مهدویت را آن طور که مورد نظر اهل بیت علیهم‌السلام بوده ترسیم نماید، گرچه از جهاتی برای احتجاج با مخالفین و تأیید روایات امامیه مفید خواهد بود.

روش حدیثی نزد اهل سنت

اهل سنت نیز در موضوع مهدویت روش‌های مختلفی را در جانب احادیث این موضوع در پیش گرفته‌اند که بارزترین آن‌ها عبارت است از:

الف - اکتفا بر احادیث از طریق اهل سنت: در این روش مؤلفین تنها بر احادیث صحابه یا تابعین اکتفا نموده که از طریق خودشان رسیده است، و هرگز به احادیث شیعه امامیه در این موضوع توجه نکرده‌اند.

این نوع تألیف، بیشتر تألیفات حدیثی اهل سنت را دربرمی‌گیرد، که از باب نمونه می‌توان از کتاب (اخبارالمهدی) از عبادبن یعقوب رواجنی (م ۲۵۰ هجری)، و (جمع الاحادیث الواردة فی المهدی) از حافظ ابی بکر بن ابی خیشمة بن زهیر نسائی (م ۲۷۹ هجری) و ده‌ها کتاب دیگر نام برد.

ب- نقل حدیث از اهل بیت علیهم‌السلام عده‌ای دیگر از اهل سنت در تالیف خود توسعه‌ای داده و از اهل بیت علیهم‌السلام نیز در مصادر روایی مهدویت نقل روایت کرده‌اند، زیرا مشاهده نمودند که در مصادر شیعی احادیثی به تفصیل وجود دارد که در منابع خودشان هرگز یافت نمی‌شود. از باب نمونه می‌توان از کتاب (الملاحم) نعیم بن حماد (ت ۲۲۸ هجری) نام برد که روایات بسیاری از امام باقر علیه‌السلام در شأن امام مهدی علیه‌السلام نقل می‌کند. همین روش را نیز یوسف بن یحیی شافعی از علمای قرن هفتم هجری در کتاب (عقد الدرر فی اخبار المنتظر)، و متقی هندی در کتاب (البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان) دنبال کرده‌اند. ولی آن‌ها تنها به روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام تمسک کرده‌اند که مربوط به علائم ظهور امام مهدی علیه‌السلام است.

ج- اثبات عقیده امامیه برخی دیگر از علمای اهل سنت در تألیفات خود در موضوع مهدویت در صدد اثبات عقیده شیعه امامیه از طریق روایات ائمه اهل بیت علیهم‌السلام برآمده‌اند.

آنان در تمام موضوعات و قضایای مهدویت از قبیل ولادت، غیبت و مسائل دیگر به روایات اهل بیت علیهم‌السلام یا روایاتی که از طرق آن‌ها از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسیده احتجاج کرده و آن‌ها را به اثبات رسانده‌اند. از بارزترین این‌گونه افراد می‌توان قندوزی حنفی در کتاب ارزشمند خود (ینابیع المودة) نام برد. و همین روش را قبل از او جوینی شافعی در کتاب (فراندالسمطین) دنبال کرده است. گرچه این دسته از مؤلفین در صدد برآمده‌اند که روایات شیعه را با مرویات اهل سنت تقویت نمایند.

دو - روش کلامی و برهانی

در این روش مؤلف درصدد عرضه کردن مباحث مهدویت به صورت استدلالی و برهانی است، روشی که در خود روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به صورت گسترده و عمیق وارد شده است.

این روش درصدد تثبیت ایمان در قلوب شیعیان و به طور عموم، مسلمانان و دفع شبهاتی است که در مورد موضوع مهدویت وارد شده است. روشی که می‌توان حتی بر غیر مسلمین نیز مطرح نمود، خصوصاً با در نظر گرفتن این نکته که قضیه مهدویت و منجی بشریت قضیه‌ای عمومی و جهان شمولی است.

در نتیجه اهتمام اهل بیت علیهم السلام به این روش و اقتدای علمای امامیه به آن بزرگواران مطابق شرایط زمانی تألیفات فراوانی در این زمینه به منصه ظهور رسید، که از جمله آنها می‌توان به تألیفات شیخ مفید و سیدمرتضی در این موضوع اشاره کرد. شیخ مفید رحمته الله در این باره پنج رساله مستقل از خود به یادگار گذاشته است، اضافه بر مسایلی که در لابلای کتاب‌های خود در موضوع مهدویت و تقویت مبانی کلامی آن آورده است. همچنین سیدمرتضی رحمته الله برخی از تألیفات خود را به این موضوع مهم اختصاص داده که از آن جمله می‌توان از (المقنع فی الغیبه) و کتاب (الزیاده المکمل بها کتاب المقنع) نام برد. و این خط ادامه یافت تا این برهه از زمان که می‌توان به کتاب (بحث حول المهدی) و کتاب‌های دیگر اشاره کرد.

سه - روش مقارنی

از جمله تألیفاتی را که در مورد قضیه مهدویت شاهد آن بوده و هستیم، روش بحث مقارنی بین عقیده شیعه امامی و دیگر طوایف مسلمین در این موضوع است. روشی که در آن، هریک از فرّق اسلامی دیدگاه خود را مطرح نموده و با دیدگاه دیگران مقارنه کرده و در آخر رأی خود را با دلایل گوناگون به اثبات رسانده است.

از شواهد و قراین استفاده می‌شود که این روش به عصر قدیم باز می‌گردد، و لذا این روش تألیفی را در کتب بزرگان از قدمای امامیه از قبیل شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی در فصولی از تألیفاتشان می‌یابیم.

از جمله کتاب‌هایی که می‌توان به در این زمینه نام برد که به طور مفصل نوشته شده کتاب (بیان الاشکال فیما حکى من امر المهدى من الأقوال) از ابو عبد الله حمیدان بن یحیی القاسمی حسنی از علمای قرن هفتم است.

و نیز کتاب (المهدى الموعود المنتظر عند علماء اهل السنة والامامة) از نجم الدین عسکری را می‌توان در این زمینه نام برد. در این برهه از زمان نیز می‌توان از تألیفات ارزشمندی نام برد که در این زمینه به چاپ رسیده است که از جمله می‌توان به کتاب (مع المهدى المنتظر علیه السلام فی دراسة منهجية مقارنة بين الفكر الشيعى والسنى) از شیخ مهدی فتلاوی نام برد.

چهار - روش تحلیلی تاریخی

یکی دیگر از روش‌های تألیف در موضوع مهدویت که در زمان‌های اخیر پدید آمده، بحث تحلیل تاریخی در این موضوع است، روشی که در آن مؤلفان

در صدد ترسیم قضیه مهدویت از ابعاد گوناگون تاریخی آن می‌باشند، که می‌توان از بارزترین این نوع تألیف، به سه جلد کتاب سید محمد صدر یعنی (تاریخ الغیبة الصغری، تاریخ الغیبة الکبری، و تاریخ مابعد الظهور) اشاره کرد.

پنج - روش مقارنی بین ادیان

برخی دیگر در صدد عرض موضوع مهدویت در محدوده‌ای وسیع‌تر از مذاهب اسلامی برآمده و مسأله نجات و منجی بشریت را در آخرالزمان گسترش داده و با دیدگاهی وسیع، آراء ادیان مختلف را در این موضوع مهم، مورد بررسی قرار داده‌اند. خصوصاً آنکه در تورات و انجیل مشاهده می‌شود که به این موضوع زیاد پرداخته شده، و بشارات فراوانی در مورد منجی و نجات بخش در آخرالزمان در آن کتاب‌ها وارد شده است. از آن جمله تألیفات می‌توان از کتاب (بشارات العهدین) از دکتر صادقی و (المسیح الدجال) از سعید ایوب نام برد.

و برخی از مؤلفین پا را از این فراتر گذاشته دامنه بحث را نه تنها به ادیان آسمانی گسترش داده‌اند بلکه به ادیان غیر آسمانی از قبیل هندونیسیم و بودیسم نیز تعمیم داده‌اند. و نیز از این هم فراتر رفته موضوع را به مکاتب فلسفی عالم نیز سرایت داده‌اند که در این عصر و زمان در این نوع بحث، کتاب‌های بسیاری به زبان‌های مختلف تألیف شده است.

شش - روش تحلیل فلسفه تاریخ

برخی دیگر از مؤلفان درباره مهدویت، بحث خود را در زمینه فلسفه تاریخ یا به تعبیری دیگر تکامل تاریخ، که از جهتی مربوط به قضیه مهدویت و نجات است، کشانده و به این مسأله مهم از زوایای گوناگون آن پرداخته‌اند.

توجیه تکامل تاریخ با دو شیوه مختلف صورت می‌گیرد: یکی شیوه ابزاری و از نظری دیالکتیکی، و شیوه دیگر (انسانی یا فطری) است. به عبارت دیگر: درباره تکامل تاریخ دوگونه بینش و دو گونه طرز تفکر «انتظار بزرگ» شکل و صورت و بلکه ماهیت خاص پیدا می‌کند. برخی از مؤلفان مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ به این موضوع پرداخته و نظر اسلام را بررسی کرده و امتیازاتش را بر نظر دیگر مکاتب فلسفی بیان داشته‌اند.

هفت - ضعف احادیث مهدویت

منکران مهدویت بعد از آنکه خود را در برابر دسته‌هایی از روایات در رابطه با ظهور حضرت دیدند در صدد برآمدند که موضع و موقفی صریح در برابر آن‌ها داشته باشند، آنان راهی جز این ندیدند که مجموعه این احادیث را انکار کرده و با ادله سست و واهی خود آن‌ها را رد نمایند. اینک به برخی از توجیحات آن‌ها اشاره کرده آن‌گاه به جواب تفصیلی می‌پردازیم:

کلمات مخالفین

۱ - ابن خلدون می‌گوید: «مشهور بین کافه اهل اسلام در گذر زمان‌ها آن است که به طور حتم و قطعی مردی از اهل بیت علیهم‌السلام در آخرالزمان ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کرده و اقامه عدل خواهد نمود. مسلمانان او را متابعت نموده و بر ممالک اسلامی استیلا پیدا خواهد کرد. اسم او مهدی است... آنان در این زمینه به احادیثی استدلال می‌کنند که امامان حدیث در کتب خود ذکر کرده‌اند، و منکرین نیز در رابطه با آن‌ها سخن گفته‌اند... ولی

معروف نزد اهل حدیث این است که جرح مقدم بر تعدیل است، و لذا هرگاه طعن در برخی از رجال سندها بیابیم مثل غفلت یا سوء رأی، به طور حتم این‌ها به صحت حدیث سرایت کرده و آن را سست می‌نمایند...^۱

او نیز بعد از عرضه کردن برخی از احادیث وارده در موضوع مهدویت و تضعیف آن‌ها می‌گویند: «این جمله از احادیثی است که امامان حدیث در شأن مهدی و خروج او در آخرالزمان نقل کرده‌اند، و این‌ها همان‌گونه که مشاهده می‌کنید به استثنای کمی یا کمتر از کمی از تضعیف خلاصی نمی‌یابند».^۲

عده‌ای دیگر از علمای اهل سنت همین خط را ادامه داده و در صدد تضعیف احادیث مهدویت برآمده‌اند که از جمله آن‌ها یکی از شیوخ ازهر «سعد محمدحسن» است. او در این باره می‌گوید: «علما و نقادین حدیث این مجموعه از احادیث را به طور وسیع به نقد کشیده و ابطال کرده‌اند، از جمله آن‌ها که به شدت با این روایات برخورد کرده «ابن خلدون» است».^۳

«محمدابوزهره» نیز در کتاب «الامام الصادق علیه السلام» می‌گوید: «علمای اهل سنت در سندهای روایاتی که سخن از مهدی به میان آورده بحث نموده و در آن‌ها خدشه وارد کرده‌اند، و لذا می‌گوییم: این مسأله عقیدتی که نزد اهل سنت ثابت باشد نیست».^۴

۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۲. همان، ص ۳۲۲.

۳. المهدیة فی الاسلام، ص ۶۹.

۴. الامام الصادق علیه السلام، ص ۲۳۹.

«محمد فرید وجدی» نیز بعد از نقل پانزده روایت در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام می‌گوید: «بسیاری از امامان در حدیث، احادیث مهدی را تضعیف نموده‌اند و معتقدند که این گونه احادیث قابل نظر و تأمل نیست، و ما آن‌ها را به صورت دسته جمعی نقل نموده‌ایم تا در نظر هر شخص محقق این موضوع باشد، و هرگز برخی از غالیان آن‌ها را گمراه نسازند».^۱

«احمد امین مصری» همین خط فکری را دنبال کرده و از کلام «ابن خلدون» اظهار رضایت کرده است.^۲

«شیخ جبهان» در «تبدید الظلام» نیز گمان کرده که احادیث ظهور مهدی علیه السلام در کتاب‌های اهل سنت همگی باطل‌اند، و کتب جرح و تعدیل بر صحت آنچه او ادعا کرده گواهی داده است.^۳

«شیخ سائح لبیبی» در کتاب «تراثنا و موازین النقد» می‌گوید: «ابن خلدون این احادیث را نقد کرده و حدیث به حدیث آن‌ها را تضعیف نموده است».^۴

نقد کلمات مخالفین

از آنجا که تکیه گاه کلام مخالفین بر سخن ابن خلدون است، لذا در نقد کلمات مخالفین به سخن او پرداخته و در نتیجه تمام سخنان آن‌ها را ابطال خواهیم کرد.

۱. دائرة المعارف القرن العشرين، ج ۱۰، ص ۴۸۱.

۲. المهدي والمهدوية، ص ۱۰۸.

۳. تبديد الظلام، ص ۴۷۹ - ۴۸۰.

۴. تراثنا وموازن النقد، ص ۱۸۷.

۱ - ابن خلدون هنگامی که اسامی کسانی که احادیث مهدی علیه السلام را ذکر می‌کنند، بر می‌شمارد استقصا نکرده و بسیاری از آنان را نام نمی‌برد، کسانی که سابق بر او یا معاصر با او بوده و احادیث مهدویت را نقل کرده‌اند. ما در فصلی جداگانه آن‌ها را نام خواهیم برد.

۲ - و نیز هنگامی که اسامی صحابه‌ای که احادیث مهدویت را نقل کرده‌اند نام می‌برد به تعداد کمی از آن‌ها اشاره می‌کند در حالی که ناقلین این نوع احادیث از اصحاب بسیار بیشتر از آنانند که ایشان نام برده است. «شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد» در گفتاری در این زمینه اسامی (۲۶) نفر از صحابه را ذکر کرده است.^۱

۳ - همو می‌گوید: «ابن خلدون شخصی مورخ است نه فردی از رجال حدیث، لذا به تصحیح یا تضعیف او توجهی نمی‌شود، اعتماد در این زمینه به امثال بیهقی، عقیلی، خطابی، ذهبی، ابن تیمیه، ابن قیم و دیگران از اهل روایت و درایت است. کسانی که قایل به صحت بسیاری از احادیث حضرت مهدی علیه السلام بوده‌اند، کسانی که در این زمینه به ابن خلدون رجوع کرده‌اند همانند کسانی هستند که قصد جوی آب کرده و دریا‌های جوشان و خروشان را رها نموده‌اند. عملکرد ابن خلدون در این زمینه همانند شخصی ناشی در طب است که با تمام طبیبان به مخالفت پرداخته است».^۲

۴ - این که ابن خلدون می‌گوید: جرح مقدم بر تعدیل است نزد اهل سنت

۱. عقیده اهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر، ص ۱۲۸.

۲. همان، الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۴۹.

عمومیت ندارد، زیرا مشاهای جرح نزد آنان متفاوت و مختلف است، برخی با کمترین جهت راویان را تضعیف می‌کنند، و لذا دانشمندان علوم حدیث شرط کرده‌اند که علت جرح و طعن باید تفسیر شود که به چه جهتی بوده است.

خطیب بغدادی بعد از آنکه نمونه‌هایی از تضعیفات را ذکر می‌کند که قابل اعتماد نیست، می‌گوید: «این که جارح می‌گوید: فلان شخص ثقه نیست، احتمال دارد که از همین قبیل باشد، لذا باید سبب جرح تفسیر گردد».^۱
 «قاضی سبکی» می‌گوید: «بر حذر باش از این که قاعده (الجرح مقدم علی التعديل) را به اطلاق و عموم حمل کنی، بلکه صواب آن است که هرکس امامت و عدالت او به اثبات رسیده و مدح کنندگان آن زیاد و جرح کنندگان او قلیل اند، و قرینه‌ای بر سبب جرح او از قبیل تعصب مذهبی یا جهات دیگر نباشد هرگز التفات به جرح و طعن او نمی‌شود...».^۲

«ابن حجر عسقلانی» می‌گوید: «این که به طور مطلق جماعتی از علما می‌گویند: (جرح مقدم بر تعدیل است) حرف صحیحی نیست، بلکه این حرف در صورتی قابل قبول است که از کسی که عارف به اسباب جرح باشد بیان شده باشد؛ زیرا در غیر این صورت، هرگز به کسی که عدالتش ثابت شده جرح تفسیر نشده ضرری نمی‌رساند. و اگر جرح از شخصی وارد شده باشد که هیچ آگاهی به اسباب آن ندارد اصلاً هیچ اعتباری بر آن نیست...».^۳

همین مضمون نیز از نووی، سخاوی، سیوطی، سندی و دیگران وارد شده است.^۴

۲. طبقات الشافعية، ج ۴، ص ۱۸۸.

۴. الرفع والتکمیل، ص ۵۸.

۱. الکفاية فی علم الرواية، ص ۱۳۹.

۳. نخبة الفکر ابن حجر، ص ۲۳۲.

«دکتر عبدالحکیم بستوی» می‌گوید: «حتی در صورتی که جرح در روایاتی به اثبات برسد، هر جرحی روایت را از اعتبار ساقط نمی‌کند، بلکه برخی از جرح‌ها است که شدید بوده و مستلزم ترک روایات است، و برخی تا به این حد نیست، بلکه راوی متصف به جرح با غیر خود از کسانی که دارای اعتبارند تقویت شده و روایتش قابل احتجاج است»^۱.

به همین جهت است که بسیاری از علمای اهل سنت در صدد رد و تضعیف ابن خلدون برآمده و از اشکالات او جواب داده‌اند که از آن جمله می‌توان از اشخاصی همانند: علامه صدیق حسن خان در کتاب «الاداعة لما کان وما یكون بین یدی الساعة» شیخ محدث شمس الحق عظیم آبادی در «عون المعبود»، علامه عبدالرحمن مبارکفوری در «تحفة الاحوذی»، شیخ محدث احمدشاکر در حواشی خود بر «مسند احمد بن حنبل»، شیخ عبدالله بن محمد صدیق در «ابراز الوهم المکنون» و ناصرالدین البانی در «تخریح احادیث فضائل شام و دمشق» نام برد.^۲

دکتر بستوی نیز می‌گوید: «ابن خلدون احادیث وارده در مورد امام مهدی عجله را احصا نکرده است، تنها جزء کمی از آن‌ها را ذکر کرده، و هنگام تضعیف آن‌ها نیز چاره‌ای جز آن ندیده که به صحت سند برخی از آن‌ها اعتراف کند... آیا همین مقدار اسناد صحیح قابل استدلال نیست؟

۱. المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحة، ص ۳۶۴ - ۳۶۵.

۲. الاداعة، ص ۱۶۲، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۲۴۳، تحفة الاحوذی، ج ۶، ص ۴۰۱، مسند احمد، ج ۵، ص ۱۹۷، الامام المهدی عنداهل السنة، ج ۲، ص ۲۵۱، فضائل الشام ودمشق، ص ۱۰۰.

آن‌گاه بستوی (۴۶) روایت با سند صحیح و حسن در باب قضیه مهدویت ذکر می‌کند.^۱

«عظیم آبادی» نیز در «عون المعبود» می‌گوید: «امام موزع عبدالرحمن ابن خلدون در تاریخ خود در تضعیف احادیث مهدی مبالغه کرده و به صواب نرفته بلکه خطا کرده است».^۲

«شیخ محمد حبیب الله شنقیطی» نیز در کتاب خود «الجواب المقنع المحرر فی اخبار عیسی و المهدی المنتظر» بر ابن خلدون به جهت تضعیف احادیث مهدی ایراد گرفته است.^۳

«علامه احمد محمد شاکر» بعد از آن‌که برخی از احادیث وارده در شأن امام مهدی علیه السلام را در تحقیق خود بر کتاب «مسند احمد» تصحیح کرده، شدیداً بر ابن خلدون به جهت تضعیف احادیث مهدویت حمله کرده است و می‌گوید: «ابن خلدون از اموری که علم آور نیست پیروی کرده و دست به کاری زده که اهلیت آن را نداشته است، او کسی است که اوقات خود را مشغول به سیاست و امور دولتی نموده، و خدمت گذار ملوک و امیران بوده است، لذا گمان کرده که قضیه مهدی یک عقیده شیعی است یا این‌که نفسش او را به توهم انداخته است. ابن خلدون به طور صحیح کلام محدثین را نفهمیده است که می‌گویند: «جرح مقدم بر تعدیل» است، و اگر بر اقوال و فقه آنان مطلع می‌گشت هرگز چنین حرف‌هایی را نمی‌زد. گویا چیزی در این زمینه خوانده و دانسته ولی به

۱. المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحة، ص ۳۶۶.

۲. عون المعبود، ج ۱۱، ص ۲۴۳. ۳. فتح المنعم، ج ۱، ص ۳۳۱.

جهت غلبه رأی سیاسی در عصرش دست به تضعیف احادیث مهدی زده است.^۱

«شیخ محمد مغربی» نیز می‌گوید: «برخی به تقلید از ابن خلدون در صدد طعن بر احادیث خروج مهدی آخرالزمان برآمده و آن‌ها را باطل دانسته‌اند، در حالی که ابن خلدون در مذهب خود فقیه نبوده تا چه رسد به آنکه محدث باشد، و تا چه رسد به این که مصحح احادیث باشد... از جمله غلط‌های فاحش که در بسیاری از خواص مردم پیدا شده تا چه رسد به عوام آن‌ها، قضاوت کردن بر کل است به حکم بعضی، او به جهت ضعف برخی از استاد روایات، تمام آن‌ها را از خرافات رافضه و دسائس آن‌ها دانسته است...»^۲

«شیخ محمد جعفر کتانی» می‌نویسد: «اگر خوف طولانی شدن نبود در اینجا بخشی از احادیث مهدی علیه السلام را ذکر می‌کردم؛ زیرا مشاهده نمودم که عده‌ای از مردم در امر مهدی تشکیک کرده‌اند و می‌گویند: آیا احادیث مهدی قطعی است یا خیر؟ بسیاری از آنان به کلام ابن خلدون اعتماد کرده‌اند، با آنکه او اهل این کار نبوده است. حق آن است که در هر فتنی رجوع به متخصصین آن شود...»^۳

«شیخ محمود بن عبدالله تویجری» می‌نویسد: «وسیله‌ای که ابن خلدون با آن احادیث مهدی را قربال کرده پارگی زیادی داشته و هیچگاه مضبوط

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۹۷.

۲. سیدالبشر يتحدث عن المهدي المنتظر، ص ۵۸ و ۵۹.

۳. نظم المتناثر في الحديث المتواتر، ص ۲۲۸.

و محکم نبوده است، لذا بسیاری از احادیث صحیح و حسن که در باب مهدی وارد شده از قریبال او خارج شده و تنها عدد خیلی در آن باقی مانده است»^۱.

تواتر احادیث فریقین بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام

گروهی از علمای اهل سنت که تخصصی در فن حدیث دارند ادعای تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام را کرده که با وجود این تواتر احتیاج به بررسی سندی احادیث نیست. و گروهی دیگر احادیث مهدویت را نسبت به صحت داده‌اند. اینک به عبارات برخی از آنها را اشاره می‌کنیم:

۱- ابن قیم جوزیه

او بعد از ذکر برخی از احادیث مهدی منتظر می‌گوید: «این احادیث بر چهار قسم است: بخشی صحیح و بخشی دیگر حسن و برخی غریب و تعدادی دیگر موضوع و جعلی است»^۲.

۲- جلال الدین سیوطی

او در کتاب «الحاوی للفتاوی» می‌گوید: «احادیثی که از پیامبر وارد شده و نص بر خروج مهدی از عترت پیامبر و از اولاد فاطمه است به اثبات رسیده و قابل استناد است»^۳.

آن‌گاه از ابوالحسن محمد بن حسین بن عاصم سحری نقل می‌کند که:

۱. الاحتجاج بالاثار، ص ۲۰۲.

۲. المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، ص ۱۳۵ - ۱۴۱.

۳. همان، ص ۱۷۰ - ۱۷۱.

«اخبار متواتر و مستفیض با کثرت راویان آنها از پیامبر ﷺ در امر ظهور مهدی عجل الله فرجه وارد شده است، کسی که از اهل بیت پیامبر ﷺ است و هفت سال حکومت کرده و زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد...»^۱

۳- علامه مناوی

او می‌گوید: «اخبار مهدی فراوان و مشهور است، و گروهی آنها را در کتابی تألیف نموده‌اند».^۲

۴- حافظ بن حجر عسقلانی

«اخبار به حدتواتر دلالت دارد بر این که مهدی از این امت (اسلام) است و به راستی عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و پشت سر او به نماز می‌ایستد».^۳

۵- قاضی شوکانی

«احادیث مهدی بدون شک و شبهه متواتر است، بلکه عنوان تواتر با کمتر از این مقدار نیز بر این احادیث صدق می‌کند، آن هم با تمام اصطلاحاتی که در علم اصول برای تواتر و خبر متواتر است».^۴

۶- ابن حجر هیتمی

«احادیثی که در آنها اشاره به ظهور مهدی است بسیار زیاد و در حدتواتر است».^۵

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۸. ۲. فیض القدیر، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۹۲۴۵.

۳. فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.

۴. ابراز الوهم المکتون، ص ۴، به نقل از رسالة التوضیح شوکانی.

۵. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۱۱.

۷- تفتازانی

«از جمله اموری که به باب امامت ملحق می‌شود خروج مهدی و نزول عیسی است، که این دو از علائم قیامت بوده و در این باره خبرهای صحیحی وارد شده است»^۱.

۸- قرمانی دمشقی

علما بر این امر اتفاق کرده‌اند که مهدی همان قیام کننده در آخرالزمان است، و اخبار ظهور آن حضرت یکدیگر را تأیید می‌کنند، و روایات بر اشراق نورش در حدّ زیاد وجود دارد. و به زودی ظلمت و تاریکی شبها و روزها به روشنایی وجود او متور می‌گردد و تاریکی‌ها به رؤیت و دیدار او همانند بیرون آمدن صبح از ظلمت شب از بین خواهد رفت. عدل او در افق‌ها سیر خواهدکرد و پرنورتر از ماه منیر در مسیرش خواهد بود»^۲.

۹- مبارکفوری

«بدان که مشهور بین تمام مسلمانان در طول زمان‌ها این است که به طور حتم در آخرالزمان شخصی از اهل بیت علیهم‌السلام ظهور خواهدکرد که دین را تأیید کرده، عدل را در میان جامعه ظاهر می‌کند و مسلمین به دنبال او می‌روند و او بر ممالک اسلامی سلطه پیدا خواهدکرد، او را مهدی می‌نامند»^۳.

۱۰- احمدبن محمدبن صدیق

«ایمان به خروج مهدی واجب، و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق خبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حتمی و ثابت است، همان‌گونه که در عقائد اهل سنت و جماعت از

۱. شرح مقاصد ج ۲، ص ۶۲. ۲. اخبارالدول و آثار الأول، ج ۱، ص ۴۶۳.

۳. تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ذیل حدیث ۲۳۳۱.

جميع مذاهب اسلامي تدوين شده و نیز در دفاتر علمای امت با اختلاف طبقات و مراتب آن تقریر گردیده است»^۱.

۱۱- سفارینی حنبلی

«ایمان به خروج مهدی واجب است همان‌گونه که نزد اهل علم تقریر یافته و در عقائد اهل سنت و جماعت تدوین شده است»^۲.

او نیز می‌گوید: «از جمله علائم قیامت که در روایات به آن اشاره شده و بر مضمون آن اخبار متواتر رسیده ظهور امامی است که به اقوال و احوال او اقتدا می‌شود، او خاتم امامان است لذا بعد از او امامی نیست همان‌گونه که پیامبر، خاتم نبوت و رسالت بوده و بعد از او نبوت و رسالتی نیست. اسم او محمد و مشهورترین اوصاف او مهدی است...»^۳.

۱۲- سید محمد صدیق حسن

«احادیث وارده در موضوع مهدی از مقداری که می‌توان بر آن‌ها دسترسی یافت پنجاه حدیث است که در بین آن‌ها احادیث صحیح، حسن و ضعیفی که ضعفش جبران شده وجود دارد. این احادیث بدون شک و شبهه متواتر است، بلکه وصف تواتر بر کمتر از این مقدار نیز صادق است...»^۴.

۱۳- ابوالخطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی

«در بین سندهای احادیث مهدویت احادیث صحیح و حسن و ضعیف وجود دارد، ولی ابن خلدون مغربی در تاریخ خود در تضعیف این احادیث مبالغه

۱. ابراز الوهم المکتون من کلام ابن خلدون، ص ۴۳۳.

۲. اخبار الدول و آثار الاول، ج ۱، ص ۳۵۴.

۳. الاذاعة، ص ۱۴۶.

۴. الاذاعة، ص ۱۲۵.

کرده است، ولذا به خطا رفته و حق مطلب را ادا نکرده است»^۱.

۱۴- شیخ ابوالحسین ابری

«اخبار در حدّ تواتر با کثرت راویان از پیامبر ﷺ خبر از آمدن مهدی داده‌اند، کسی که هفت سال بر کلّ کره زمین حکومت خواهد نمود، و در آن هنگام زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد...»^۲.

۱۵- برزنجی

«احادیث وارده در امر مهدی با اختلاف روایاتش حصر و حدّی ندارد. محمّد بن حسن اسنوی در کتاب «مناقب الشافعی» ادّعی تواتر روایات از رسول خدا درباره حضرت مهدی را نموده است»^۳.

۱۶- احمد بن محمد بن صدیق

«اخبار در حدّ تواتر دلالت دارد بر این که ظهور مهدی از نشانه‌های قیامت است. روایات صحیح در این موضوع از رسول خدا ﷺ رسیده، و ذکر مهدی علیه السلام شایع شده و خبرش بین عموم مسلمانان در تمام عصرها منتشر شده است. پس ایمان به خروج او واجب و اعتقاد به ظهورش به جهت تصدیق خبر رسول خدا ﷺ حتمی و لازم است، همان گونه که در عقاید اهل سنت و جماعت از تمام مذاهب تدوین یافته و در دفاتر علمای امت با اختلاف طبقات و مراتب مقرر شده است»^۴.

۱. عون المعبود، ج ۱، ص ۲۴۳. ۲. نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۲۲۵.

۳. الأشاعة لأشراط الساعة، ص ۱۳۹.

۴. ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ص ۴۳۳.

۱۷- شیخ محمد خضر حسین

وی در سخنان خود می‌گوید: «...این خلدون اعتراف کرده که برخی از احادیث مهدی‌نقدپذیر نیست، و موضوع مهدویت از آن جهت که پیامبر ﷺ به آن خبر داده می‌توان با یک روایت صحیح نیز ثابت نمود و به مضمون آن علم حاصل کرد...»^۱

۱۸- ابوالاعلی مودودی

«روایات خروج مهدی متحمل حقیقتی اساسی است و قدر مشترک همه آن‌ها این است که پیامبر ﷺ خبر داده که در آخرالزمان رهبری عامل به سنت ظهور می‌کند، آن‌گاه زمین را پر از عدل و داد کرده و از روی آن اسباب ظلم و تعدی را محو می‌نماید...»^۲

۱۹- احمد زینی دحلان

«احادیثی که در آن‌ها یادی از مهدی است فراوان و در حدتواتر است. در میان آن‌ها احادیث صحیح، حسن، و ضعیف وجود دارد، ولی به جهت کثرت آن‌ها و فراوانی راویان و تخریح کنندگان آن‌ها، یکدیگر را تقویت می‌کنند، و لذا می‌تواند افاده قطع کند. آنچه مورد قطع است این‌که ظهور او حتمی و از اولاد فاطمه است، و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود...»^۳

۲۰- شیخ منصور علی ناصف

«مشهور بین علمای گذشته و حال این است که در آخرالزمان به طور حتم

۱. مجله «التمدن الاسلامی» دمشق، شماره ۳۵ و ۳۶، ج ۱۶.

۲. البینات، ص ۱۱۶.

۳. الفتوحات الاسلامیه، ص ۲۹۹ - ۳۰۰.

مردی از اهل بیت علیهم السلام به نام (مهدی) ظهور کرده و بر ممالک اسلامی استیلا خواهد نمود... این احادیث را جماعتی از بهترین صحابه نقل کرده‌اند و بزرگان از محدثین امثال: ابی داوود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابی یعلی، بزار، امام احمد و حاکم نقل کرده‌اند. و به خطا رفته کسی که احادیث مهدی را تضعیف کرده است...^۱

۲۱- شیخ ناصرالدین البانی

«همانا عقیده به خروج مهدی عقیده‌ای است ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این عقیده از امور غیب است که ایمان به آن در قرآن کریم از صفات پرهیزکاران شمرده شده است...»^۲

۲۲- شهید سید محمدباقر صدر رحمته الله

«به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر و تبدیل جهان به جهانی بهتر در احادیث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است.

در روایات فراوان به حدی بر این مسأله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی‌گذارد. و تنها از طریق برادران اهل سنت حدود چهارصد روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام احصا و شماره شده است، همان‌گونه که مجموعه روایات مهدویت که از طریق شیعه و سنی رسیده و شمارش شده، بیش از شش هزار روایت برآورد شده است و این رقم بزرگی

۱. التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۱.

۲. مجلة «التمدن الاسلامی»، شماره ۲۲، ص ۶۴۳، چاپ دمشق.

است که در بسیاری از قضایای اسلامی بدیهی برای آن نظیری نیست؛ قضایایی که معمولاً مسلمانان در آن تردید نمی‌کنند.^۱

روایات صحیح السند

اهل سنت از آنجا که موضوع ظهور مهدی موعود را از جمله خبرهایی می‌دانند که پیامبر ﷺ به آن بشارت داده، لذا از این جهت در صورتی که ولو یک روایت صحیح در این زمینه وجود داشته باشد اعتقاد و ایمان به آن را واجب می‌دانند.

حمود بن عبدالله تویجری می‌گوید: «هرچه به طریق صحیح از پیامبر اکرم ﷺ رسیده و حضرت به آن خیر داده ایمان به آن بر هر مسلمانی واجب است؛ زیرا در راستای اعتراف و شهادت به رسالت اوست، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾.^۲ احمد بن حنبل گفته است هر آنچه از پیامبر به سند صحیح به اثبات رسیده به آن اقرار و اعتراف می‌کنیم، و اگر چنین نکنیم امر را بر خدا رد نموده‌ایم، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾. موفق ابو محمد مقدسی نیز در کتاب «لمعة الاعتقاد» گفته است: «واجب است ایمان به هرچه که رسول خدا ﷺ به آن خبر داده و خبر صحیح بر آن دلالت دارد...».^۳

۲. سوره نجم، آیه ۳ و ۴.

۱. بحث حول المهدی، ص ۶۳

۳. اتحاف الجماعة، ج ۱، ص ۶

او در جایی دیگر می‌گوید: «در وجوب ایمان به خیرهای غیبی تواتر شرط نیست، همان‌گونه که برخی از اهل بدعت‌ها و متابعینشان چنین گمان کرده‌اند... بلکه هر خبر غیبی که به سند صحیح از رسول خدا ﷺ ثابت شده ایمان به آن واجب است، خواه آن خبر متواتر باشد و یا واحد، و این قول اهل سنت و جماعت است... آن‌گاه برای اثبات مدعای خود به آیه «نبأ» تمسک می‌کند»^۱.

دکتر محمد احمد اسماعیل مقدم می‌گوید: «هر حدیثی که به طور صحیح از رسول خدا ﷺ رسیده ایمان به آن بر هر مسلمانی واجب است، و این از لوازم شهادت به نبوت و رسالت پیامبر اسلام است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «امر شده‌ام که با مردم قتال کنم تا شهادت به لا اله الا الله داده و به من و آنچه را که آورده‌ام ایمان آورند، اگر چنین کنند خون‌ها و اموالشان از ناحیه من محفوظ بوده و حسابشان بر خداوند است»^۲.

شافعی می‌گوید: «هرگاه ثقه‌ای از ثقه‌ای خبری را از رسول خدا ﷺ نقل کرد آن خبر ثابت است، و هرگز حدیثی را نباید از رسول خدا ترک کرد مگر در صورتی که برای آن مخالفی وجود داشته باشد»^۳.

و نیز از احمد بن حنبل نقل شده که گفت: هر کس حدیث رسول خدا ﷺ را رد کند بر لب پرتگاه هلاکت قرار خواهد گرفت.^۴

۱. پیشین، ص ۷.

۲. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۱۱، المهدی وفقه اشراط الساعة، ص ۲۳ - ۲۴.

۳. الرد القریم علی المجرم الأئیم، ص ۲ - ۳. ۴. همان.

«بربهراری» می‌گوید: «هرگاه شنیدی که شخصی در اخبار طعن می‌زند و آن‌ها را قبول نمی‌کند یا چیزی از اخبار پیامبر را انکار می‌کند او را در اسلامش متهم ساز، زیرا او کسی است که در مذهب و گفتار پست است...»^۱ در رابطه با احادیث صحیح‌السند درباره حضرت مهدی علیه السلام و ظهور او، روایات فراوانی وجود دارد که در کتاب‌های اهل سنت به چشم می‌خورد. از میان آن روایات انبوه تعداد بسیاری را دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی در کتاب خود «المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحة» نقل کرده و هرکدام را با طرق مختلف آورده و بررسی سندی نموده است و در آخر به درایه آن‌ها پرداخته و هرکدام را به نحوی تصحیح سندی نموده است.

راویان احادیث ظهور حضرت مهدی علیه السلام از صحابه

در مصادر حدیثی اهل سنت از ده‌ها نفر از صحابه احادیث مهدویت نقل شده است. اینک به اسامی برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - امام امیرالمؤمنین علیه السلام.

۲ - ابوامامه باهلی، صدی بن عجلان.

۳ - ابویوب انصاری.

۴ - ابوسعید خدری.

۵ - ابوسلمی.

۲. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۱۱، ح ۴۲۹۰.

۴. المعجم الصغير، ج ۱، ص ۳۷.

۶. فرائد السطین، ج ۲، ص ۳۱۹.

۱. طبقات الحنابلة، ج ۲، ص ۲۵.

۳. البیان، گنجی شافعی، ص ۱۳۷.

۵. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۱۹.

- ۶۔ ابوالطفیل عامر بن وائلہ^۱
- ۷۔ ابولیلی^۲
- ۸۔ ابووائل^۳
- ۹۔ ابوہریرہ^۴
- ۱۱۔ تمیم الد^۵
- ۱۲۔ ثویان مولی رسول اللہ ﷺ^۶
- ۱۳۔ جابر بن سمرہ^۷
- ۱۴۔ جابر بن عبداللہ انصاری^۸
- ۱۵۔ جابر بن عبداللہ صدفی^۹
- ۱۶۔ امام حسن بن علیؑ^{۱۰}
- ۱۷۔ امام حسین بن علیؑ^{۱۱}
- ۱۸۔ سلمان فارسی^{۱۲}
- ۱۹۔ طلحہ بن عبیداللہ^{۱۳}
- ۲۰۔ عباس بن عبدالمطلب^{۱۴}

- ۱۔ مسند احمد، ج ۱، ص ۹۹
- ۲۔ مناقب خوارزمی، ص ۶۱
- ۳۔ عقد الدرر، ص ۴۵ و ۶۵
- ۴۔ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۷۸
- ۵۔ العرائس، ثعلبی، ص ۲۱۰
- ۶۔ سنن ابن ماجہ، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۴
- ۷۔ البرہان، متقی ہندی، ص ۱۷۵
- ۸۔ مسند احمد، ج ۳، ص ۳۸۴
- ۹۔ المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۷۴
- ۱۰۔ ۱۱۔ ینایع المودت، ج ۳، ص ۳۹۳، ح ۳۹
- ۱۲۔ مقتل الحسینؑ، خوارزمی، ج ۱، ص ۲۱۲
- ۱۳۔ البرہان، ہندی، ص ۷۱
- ۱۴۔ المہدی المنتظر، ابن صدیق، ص ۱۲

- ۲۱ - عبدالرحمن بن عوف.^۱
- ۲۲ - عبدالرحمن بن حرت.^۲
- ۲۳ - عبدالله بن عباس.^۳
- ۲۴ - عبدالله بن عمر بن خطاب.^۴
- ۲۵ - عبدالله بن عمرو بن عاص.^۵
- ۲۶ - عبدالله بن مسعود.^۶
- ۲۷ - عثمان بن ابی العاص.^۷
- ۲۸ - عثمان بن عفان.^۸
- ۲۹ - علقمة بن عبدالله.^۹
- ۳۰ - علی الهلال.^{۱۰}
- ۳۱ - عمار بن یاسر.^{۱۱}
- ۳۲ - عمر بن خطاب.^{۱۲}
- ۳۳ - عمران بن حصین.^{۱۳}
- ۳۴ - عمرو بن عاص.^{۱۴}
- ۳۵ - عمرو بن مرّة جهنی.^{۱۵}

۱. البیان، گنجی شافعی، ص ۱۲۹.
۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۸.
۳. الفصول المهمة، ابن صباغ، ص ۲۷۵.
۴. الفصول المهمة، ص ۲۷۴.
۵. البیان، گنجی، ص ۱۳۱ - ۱۳۳.
۶. الفصول المهمة، ص ۲۷۶.
۷. مسند احمد، ج ۴، ص ۲۱۶.
۸. المهدي المنتظر، صديق مغربي، ص ۱۲.
۹. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ح ۴۰۸۲.
۱۰. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۵.
۱۱. البرهان، ص ۷۵ و ۱۵۱.
۱۲. البرهان، ص ۸۶.
۱۳. مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۷.
۱۴. البرهان، ص ۱۱۹.
۱۵. المهدي المنتظر، ابن صديق، ص ۱۳.

۳۶ - عوف بن مالک.^۱

۳۷ - قتاده بن نعمان.^۲

۳۸ - قره بن ایاس مزنی.^۳

۳۹ - کعب الاحبار.^۴

۴۰ - کعب بن علقمه.^۵

۴۱ - معاذ بن جبل.^۶

۴۲ - فاطمه زهراء علیها السلام.^۷

۴۳ - ام سلمه.^۸

۴۴ - عائشه.^۹

۴۵ - ام حبيب.^{۱۰}

قائلین به صحت احادیث مهدویت

گروهی از علمای اهل سنت تصریح به صحت یا حسن بودن احادیث مهدویت نموده و برخی نیز به تواتر آن‌ها تصریح کرده‌اند، اینک به اسامی برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. المعجم الكبير، ج ۱۸، ص ۵۱، ح ۹۱. ۲. البرهان، ص ۷۷.
۳. بیابیع الموده، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۳۶۸. ۴. عقدا الدرر، ص ۲۴۷.
۵. البرهان، ص ۱۴۹ - ۱۵۱.
۶. ابراز الوهم المکنون، احمد بن محمد بن صدیق، ص ۴۳۸.
۷. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۹. ۸. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۱۰.
۹. الفتن، نعیم بن حماد، ص ۲۲۹، عقدا الدرر، ص ۳۷.
۱۰. البرهان، ص ۱۱۷ - ۱۱۸.

- ۱ - ترمذی.^۱
- ۲ - حافظ ابو جعفر عقیل.^۲
- ۳ - بر بهاری.^۳
- ۴ - محمد بن حسین آبروی.^۴
- ۵ - حاکم نیشابوری.^۵
- ۶ - امام بیهقی.^۶
- ۷ - بغوی.^۷
- ۸ - ابن اثیر.^۸
- ۹ - قرطبی مالکی.^۹
- ۱۰ - ابن منظور.^{۱۰}
- ۱۱ - ابن تیمیه.^{۱۱}
- ۱۲ - حافظ جمال الدین مزنی.^{۱۲}
- ۱۳ - ذهبی.^{۱۳}
- ۱۴ - ابن قتیبه.^{۱۴}

۱. صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۴۴۳، ح ۲۳۳۱ و ۲۳۳۲ و ۲۳۳۳ و ۲۳۳۴.
۲. الضعفاء الکبیر، ج ۴، ص ۳۸۰.
۳. شرح السنة.
۴. مناقب شافعی به نقل از المنار المنیف، ص ۱۳۰.
۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۵.
۶. به نقل از المنار المنیف، ص ۱۳۰.
۷. مصابیح السنة، ج ۳، ص ۴۹۳.
۸. النهایة، ج ۵، ص ۲۲۰.
۹. النذکره، ج ۲، ص ۲۹۹.
۱۰. لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۵۴.
۱۱. منهاج السنة، ج ۴، ص ۲۱۱.
۱۲. تهذیب الکمال، ج ۲۵، ص ۱۵۰.
۱۳. تلخیص المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۳.
۱۴. المنار المنیف، ص ۱۳۰ - ۱۳۵.

- ١٥ - ابن كثير^١
- ١٦ - تفتازاني^٢
- ١٧ - نورالدين هيتمي^٣
- ١٨ - شيخ محمد جزري دمشقي شافعي^٤
- ١٩ - احمد بن ابى بكر بوبصرى^٥
- ٢٠ - ابن حجر عسقلاني^٦
- ٢١ - سيوطى^٧
- ٢٢ - شيخ عارف عبدالوهاب شعرانى^٨ (٥٦١).
- ٢٣ - ابن حجر هيتمي^٩
- ٢٤ - متقى هندی^{١٠}
- ٢٥ - شيخ مرعى بن يوسف مقدسى حنبلى^{١١}
- ٢٦ - محمد بن عبدالرسول برزنجى^{١٢}
- ٢٧ - محمد عبدالباقي زرقانى^{١٣}
- ٢٨ - ابوالعلاء عراقى^{١٤}

١. النهاية فى الفتن والملاحم، ص ٤٥ - ٥٣.
٢. شرح مقاصد، ج ٥، ص ٣١٢.
٣. مجمع الروائد، ج ٧، ص ٣١٤.
٤. أسنى المطالب، ص ١٢٩.
٥. مصباح الزجاجة، ج ٣، ص ٢٤٣.
٦. تهذيب التهذيب، ج ٩، ص ١٢٥.
٧. الجامع الصغير، ج ٢، ص ٥٢٢ و ٥٥٣.
٨. اليواقيت والجواهر، ج ٢، ص ٢.
٩. الصواعق المحرقة، ص ١٦٣، القول المختصر، ص ٢٦.
١٠. البرهان فى علامات مهدى آخر الزمان، ١١. فرائد فوائد الفكر، ص ٦٠ و ٦٨.
١٢. الأشاعة لأشراط الساعة، ص ١٣٩.
١٣. شرح المواهب اللدنية.
١٤. شرح احياء الميت فى فضائل آل البيت از سيوطى.

- ۲۹ - شیخ محمد بن احمد سفارینی حنبلی.^۱
 ۳۰ - سید محمد مرتضی حسینی واسطی حنفی زبیدی.^۲
 ۳۱ - شیخ محمد بن علی صبان.^۳
 ۳۲ - محمد امین سویدی.^۴
 ۳۳ - شوکانی.^۵
 ۳۴ - محمد بن حسن بن مؤمن شبلنجی.^۶
 ۳۵ - احمد بن زینی دحلان.^۷
 ۳۶ - شهاب الدین احمد بن اسماعیل خلوانی شافعی.^۸
 ۳۷ - محمد بلیسی شافعی.^۹
 ۳۸ - ابوالبرکات آلوسی حنفی.^{۱۰}
 ۳۹ - ابوالطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی.^{۱۱}
 ۴۰ - مبارکفوری.^{۱۲}
 ۴۱ - شیخ منصور علی ناصف.^{۱۳}
 ۴۲ - شیخ خضر حسین مصری.^{۱۴}

۱. اللوامع.
 ۲. تاج العروس، ج ۲، ص ۳۳۲.
 ۳. اسعاف الراغبین، ص ۱۴۵ - ۱۶۱.
 ۴. سبائك الذهب، ص ۷۸.
 ۵. بنابر نقل قنوجی در الاداعة، ص ۱۲۶.
 ۶. نور الابصار، ص ۱۸۵.
 ۷. الفتوحات الاسلامیة، ج ۲، ص ۲۹۰.
 ۸. القطر الشهیدی، ص ۶۸.
 ۹. العطر الوردی، ص ۵.
 ۱۰. علامات الساعة.
 ۱۱. نظم المتناثر، ص ۲۲۵.
 ۱۲. تحفة الاحوذی، ج ۶، ص ۳۹۳.
 ۱۳. التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۱۹.
 ۱۴. مجلة التمدن الاسلامی.

- ۴۳ - ابوالاعلیٰ مودودی.^۱
 ۴۴ - ناصرالدین البانی.^۲
 ۴۵ - شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد.^۳
 ۴۶ - شیخ حمود بن عبدالله تویجری.^۴
 ۴۷ - شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز.^۵

حکم منکر مهدی علیه السلام

گروهی از علمای اهل سنت ایمان به خروج مهدی علیه السلام را واجب دانسته و گروهی دیگر نیز منکر آن را کافر دانسته‌اند.

احمد بن محمد بن صدیق می‌گوید: «ایمان به خروج مهدی واجب، و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله حتمی و ثابت است...»^۶

همین تعبیر نیز از سفارینی حنبلی^۷، ناصرالدین البانی^۸ و عبدالمحسن بن حمد العباد^۹ رسیده است.

فقیه شافعی ابن حجر تصریح کرده که انکار مهدی اگر موجب انکار سنت از اصل و اساس گردد سبب کفر می‌شود و هرکسی چنین کند قتلش واجب

۱. البینات، ص ۱۱۶.
 ۲. مجلة تمدن اسلامی.
 ۳. عقیده اهل السنة والائثر فی المهدی المنتظر.
 ۴. الاحتجاج بالائثر علی من انکر المهدی المنتظر، ص ۷۰ - ۷۱.
 ۵. الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۳۲.
 ۶. ابراز الوهم المکنون، ص ۴۳۳. ۷. الادعاة، ص ۱۴۶.
 ۸. مجلة «التمدن الاسلامی» شماره ۲۲، ص ۶۴۳. چاپ دمشق.
 ۹. مجلة «الجماعة الاسلامیة»، شماره ۳.

است و اگر انکار او تنها به جهت عناد و دشمنی با ائمه اسلام است نه سنت، لازم است که او را تعزیر آشکار نمود تا دست از این کار بردارد...»^۱

احمد بن محمد بن صدیق غماری ازهری (ت ۱۳۸۰) در رابطه با احادیث مهدویت می‌گوید: «این احادیث متواترند و منکرین آنها بدعت‌گذار و گمراه شمرده می‌شوند».^۲

پاسخ به شبهات

ایتک بعد از تحقیق درباره احادیث مهدویت و تثبیت جایگاه آنها به سراغ شبهات مخالفین رفته و از آنها پاسخ خواهیم داد:

شبهه اول: عدم تخریج مسلم و بخاری

از جمله جهات انکار مهدویت از سوی برخی از اهل سنت این است که بخاری و مسلم هیچ یک از احادیث مهدویت را در صحیح خود نیاورده‌اند و این به توبه خود سبب وهن و ضعف این روایات است.

شیخ محمد ابوزهره می‌گوید: «اهل سنت درباره ظهور مهدی در آخرالزمان سخن گفته‌اند؛ برخی این عقیده را قبول کرده و در کتاب‌های عقاید آورده‌اند. این مسأله در برخی از کتب روایی همچون سنن ابی داوود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه آمده است، ولی در صحیحین، صحیح بخاری و صحیح مسلم، از آن یادی به میان نیاورده است. علمای حدیث در سندهای این روایات سخن گفته و آنها را تضعیف نموده‌اند، و لذا می‌گوییم: این مسأله عقیده ثابت نزد اهل سنت نیست».^۳

۱. البرهان، ص ۱۷۸.

۲. المهدی المنتظر، غماری، ص ۵.

۳. الامام الصادق علیه السلام، ابوزهره، ص ۲۳۸ - ۲۳۹.

احمد امین مصری نیز می‌گوید: «از افتخارات صحیح بخاری و صحیح مسلم آن است که این احادیث در آن‌ها رسوب نکرده است، گرچه در غیر این دو کتاب از کتاب‌های حدیث وارد شده است».^۱

سعد محمد حسن،^۲ حسین سائح لیبیایی مغربی،^۳ سید محمد رشید رضا،^۴ و شیخ بن محمود^۵ نیز هر کدام این اشکال را با تعبیرات مختلف در کتاب‌های خود نسبت به احادیث مهدویت آورده‌اند.

پاسخ:

جالب توجه این‌که از خود اهل سنت شدیداً به مقابله با این شبهه پرداخته و اشکال را دفع نموده‌اند:

دکتر بستوی می‌گوید: «اینان گمان می‌کنند که بخاری و مسلم احادیث مهدویت را به جهت ضعف در اسنادشان نقل نکرده‌اند، این گمان باطلی است؛ زیرا این دو به تمام احادیث صحیح احاطه نداشته‌اند و هرگز ادعای چنین امری را نیز نکرده‌اند».

بخاری می‌گوید: «آنچه را در کتاب خود «الجامع الصحیح» آورده‌ام صحیح است ولی چه بسیار احادیث صحیح السننی را که به جهت طولانی شدن کتابم نقل نکردم».^۶

۱. المهدی والمهدویة، احمد امین، ص ۴۱، ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۷۷.

۲. المهدیة فی الاسلام، سعد محمد حسن، ص ۶۹.

۳. تراثنا وموازن النقد، ۱۸۵ - ۱۸۷، ۴. تفسیر المنار، ج ۹، ص ۴۹۹.

۵. لامهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر، ص ۶ و...

۶. مقدمة ابن الصلاح، ص ۲۱ و ۲۲.

مسلم می‌گوید: من تمام احادیث صحیح نزد خود را در این کتاب - صحیح - خود نیاورده‌ام، بلکه در صدد آن بوده‌ام که تنها احادیثی را ذکر کنم که اجماعی است.^۱

حاکم نیشابوری می‌گوید: بخاری و مسلم حکم به عدم صحت احادیثی که در کتابشان نیامده نکرده‌اند.^۲

ابن قیم جوزیه می‌گوید: «آیا هرگز بخاری گفته است: هر حدیثی را که من در کتابم وارد نساختم باطل بوده و غیر حجت و ضعیف است؟ چه بسیار احادیثی را که بخاری به آنها در غیر صحیح خود احتجاج نموده ولی در (صحیح) نیاورده است. و چه بسیار احادیثی که در غیر این کتاب (الجامع الصحیح) تصحیح نموده ولی در این کتاب نیاورده است.

عبدالمحسن بن حمد العباد، استاد دانشگاه مدینه منوره می‌گوید: «حدیث صحیح همان‌گونه که در صحیحین موجود است در غیر این دو از کتاب‌های حدیثی نیز امثال: موطأ مالک، صحیح ابن خزیمه، صحیح ابن حبان، مستدرک حاکم، جامع ترمذی، سنن ابی داوود، نسائی، سنن ابن ماجه، سنن دارقطنی، سنن بیهقی، و دیگر کتب نیز موجود است، و این امری در نهایت وضوح است.^۳

مضافاً این‌که چه کسی گفته بخاری و مسلم توجهی به روایات مهدویت به طور عموم نداشته‌اند؟ این حرف باطلی است؛ زیرا این دو برخی از احادیث

۱. پیشین.

۲. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۲.

۳. الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۴۵. به نقل از او.

مربوط به خروج حضرت مهدی علیه السلام را ذکر کرده‌اند:

۱- احادیث خروج دجال

بخاری در (صحیح) به سندش از حدیقه نقل می‌کند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «همانا با دجال هنگام خروج، آب و آتش است، آنچه را که مردم آتش می‌بینند آب گوارا است، و آنچه را که آب گوارا می‌بینند آتش است که می‌سوزاند. هرکس که آن زمان را درک کرد باید در چیزی درآید که آتش می‌بیند؛ زیرا آن در حقیقت آب گوارا است.»^۱

مسلم در (صحیح) احادیث بسیاری را در باب خروج دجال از طرق مختلف ذکر کرده است.^۲

ابن حجر عسقلانی با نقل کلامی از آبری در تواتر احادیث مهدی علیه السلام، قصه دجال را به خروج حضرت مهدی علیه السلام ارتباط می‌دهد و می‌گوید: «اخبار به حد تواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره مهدی علیه السلام وارد شده که او از اهل بیت علیهم السلام پیامبر است، هفت سال مالک زمین خواهد شد، آن را پر از عدل و داد خواهد نمود، و همانا عیسی علیه و الصلاة والسلام ظاهر خواهد شد و او را در کشتن دجال مساعدت خواهد نمود...»^۳

ابن حجر هیتمی نیز همین عبارت را از آبری نقل کرده است.^۴

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۵، کتاب الانبیاء، باب ما ذکر عن بنی اسرائیل.

۲. المنهاج فی شرح صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۲۳ و ۵۸ و ۷۸.

۳. تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵، ح ۲۰۲.

۴. الصواعق المحرقة، ص ۱۶۵.

۲- احادیث نزول عیسی بن مریم علیه السلام

بخاری به سند خود در (صحیح) از ابی هریره نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قسم به کسی که جانم به دست اوست نزدیک است که فرزند مریم در حالی که حاکم عادل است فرود آید، صلیب را شکسته و خوک را می‌کشد و جزیه قرار می‌دهد. به حدی به مردم مال می‌دهد که هیچ کس قبول نمی‌کند تا جایی که یک سجده بهتر است از دنیا و آنچه در آن است...»^۱

این حدیث را مسلم نیز نقل کرده است.^۲

بخاری نیز به سند خود از ابی هریره نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شما در چه حالی به سر می‌برید زمانی که عیسی فرزند مریم در میان شما فرود خواهد آمد در حالی که امام شما از میان شماست»^۳.

همین تعبیر در صحیح مسلم نیز وارد شده است.^۴

مقصود به امام در این روایات کسی جز امام مهدی علیه السلام نیست.

ابن ابی شیبه از ابن سیرین نقل می‌کند که گفت: «مهدی از این امت است و اوست که امامت بر حضرت عیسی بن مریم خواهد نمود»^۵.

همین مضمون نیز از عبدالله بن عمر وارد شده است.^۶

حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «مهدی مورد التفات واقع

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۴، باب نزول عیسی بن مریم.

۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۵، ج ۲۴۲.

۳. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۵، باب نزول عیسی بن مریم.

۴. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۶، ۵. المصنّف، ج ۱۵، ص ۱۹۸، ج ۱۹۴۹۵.

۶. الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۷۸.

می‌شود در حالی که عیسی بن مریم فرود آمده گویا از موهای او آب می‌چکد. مهدی می‌گوید: جلو بیا و با مردم نمازگذار. عیسی می‌گوید: نماز به جهت تو برپا شده است. آن‌گاه عیسی پشت سر مردی از اولادش نماز می‌گذارد»^۱.

بسیاری از علمای اهل سنت موضوع نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان را به مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام در همان زمان ربط داده‌اند، که از آن جمله: علامه مناوی^۲، ابن برهان شافعی^۳، آلوسی^۴، شیخ منصور علی ناصف^۵، و ابن العربی^۶ و دیگران می‌باشند.

با مراجعه به شروح صحیح بخاری از قبیل: فتح الباری^۷، ارشاد الساری^۸، عمدة القاری^۹، فیض الباری^{۱۰}، و البدر الساری^{۱۱} خواهید دید که همگی متفق القول (امام) در این روایات را حضرت مهدی علیه السلام می‌دانند.

۳- احادیث بخشش مال

مسلم در (صحیح) به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در پایان امتم خلیفه‌ای خواهد بود که مال می‌ریزد ریختنی بدون آنکه آن را بشمرد»^{۱۲}.

- | | |
|--|------------------------------|
| ۱. پیشین، ج ۲، ص ۸۱ | ۲. فیض القدیر، ج ۶، ص ۱۷. |
| ۳. السیرة الحلیة، ج ۱، ص ۲۲۶. | ۴. روح المعانی، ج ۲۵، ص ۹۶. |
| ۵. غایة المأمول، ج ۵، ص ۳۶۲. | ۶. اسعاف الراغبین، ص ۱۴۵. |
| ۷. فتح الباری، ج ۶، ص ۳۸۳. | ۸. ارشاد الساری، ج ۱، ص ۴۱۹. |
| ۹. عمدة القاری، ج ۱۶، ص ۳۹. | ۱۰. فیض الباری، ج ۴، ص ۴۴. |
| ۱۱. حاشیة البدر الساری، ذیل حدیث. | |
| ۱۲. صحیح مسلم با شرح نووی، ج ۱۸، ص ۳۸. | |

به همین مضمون و با تعبیرات دیگر نیز در (صحیح مسلم) وارد شده است.^۱ با رجوع به کتاب‌های دیگری خواهیم برد که مقصود از خلیفه در این روایات همان حضرت مهدی علیه السلام است که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد.

ترمذی به سندش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «همانا در میان امت مهدی خروج خواهد کرد، پنج یا هفت یا نه سال زندگی می‌کند. شخصی به نزد او می‌آید و می‌گوید: ای مهدی به من عطا کن، او مال بر لباسش به مقداری که بتواند حمل کند می‌ریزد».^۲

ابن ابی شیبه نیز به سندش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «مردی از اهل بیت بعد از انقطاعی از زمان و ظهور فتنه‌ها خروج خواهد کرد که عطای او ریزان است».^۳

تعداد دیگری از محدثین نیز همین مضمون را با تعبیرات گوناگون و طرق مختلف در کتب حدیثی آورده‌اند و در تمام آن‌ها شخصی را که مال فراوان می‌دهد، همان مهدی ذکر کرده‌اند.

۴- احادیث خسف بیداء

مسلم در (صحیح) به سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «شخصی به کعبه پناه می‌برد، لشکری به سوی او فرستاده می‌شود، به سرزمین بیداء که می‌رسند در آنجا فرود می‌روند».^۴

۱. پیشین.

۲. الجاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۵۹، به نقل از ترمذی.

۳. المصنف، ج ۱۵، ص ۱۹۶، مستد احمد، ج ۳، ص ۸۰.

۴. صحیح مسلم با شرح نووی، ج ۱۸، ص ۴.

با مراجعه به احادیث دیگر پی می بریم که (خسف بیداء) یعنی فرورفتن زمین از علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.
حاکم نیشابوری به سندش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «... و خروج می کند مردی از اهل بیتم، خبرش به سفیانی می رسد او لشکری از لشکریانش را به سوی او می فرستد، حضرت آنان را متفرق می سازد، آن گاه سفیانی با هرکه همراه اوست به حرکت درمی آید، و هنگامی که به سرزمین بیداء می رسند در آنجا فرو می روند و غیر از یک نفر که سخنگوی آنان است نجات نمی یابد».^۱

همین مضمون را نیز عده ای دیگر از علمای اهل سنت نقل کرده اند.^۲

شبهه دوم: تقلید در نقل

شیخ عبدالله بن محمود از علمای قطر در ردّ احادیث مهدویت می گوید: «از عادات علمای محدثین و فقهای متقدمین این است که برخی از برخی دیگر حدیثی را تقلیدی نقل می کنند بدون آن که در اسناد آن دقت کنند، و عجب نیست که ببینیم احادیث مهدی این گونه در کتاب های معاصرین منتشر شده باشد، زیرا حدیثی از یک کتاب به صد کتاب منتقل می گردد. یک اشتباه از یک عالم به صد عالم می رسد؛ زیرا همه مردم مقلدند و تنها کمی از آنها اهل تحقیق و مجتهدند، و مقلد از اهل علم شمرده نمی شود».^۳

۱. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۲۰.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۴، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۶، خ

۲۲۳۲، عقد الدرر، ص ۶۲، باب ۴، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۳، کنز العمال، ج ۱۴، ص

۲۶۱، ج ۳۸۶۵۳ و... ۳. لامهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر، ص ۸.

پاسخ: در جواب از این توهم شیخ عبدالمحسن بن حمدالعباد می‌گوید:
اولاً: ایشان به تمام محدثین امت و قدمای از فقها اهانت کرده و از مقام
و شأن آنان کاسته است.

ثانیاً: همان‌گونه که اشاره کردیم حتی بخاری و مسلم به روایات ظهور
و علائم آن اشاراتی کرده‌اند، و نیز در تمام مصادر حدیثی به این موضوع اشاره
شده است، و لذا تقریباً مورد اتفاق امت اسلامی است. حال چگونه می‌شود
چنین مسأله مهم را توهم دانست.

شبهه سوم: تعارض در احادیث

سیدرشید رضا در تضعیف و تشکیک موضوع مهدویت می‌گوید: «و اما
تعارض در احادیث مهدی اقوی و اظهر است و جمع بین آنها دشوارتر
می‌باشد... آن‌گاه از باب مثال: اختلاف در اسم او و این‌که حسنی است یا
حسینی، عباسی است یا علوی، و دیگر جهات را منشأ انکار مهدویت دانسته
است».^۱

استاد سائح مغربی می‌گوید: «می‌گویند، این احادیث تواتر معنوی دارد. حق
خواننده است که سؤال کند: معنای تواتر چیست؟ این احادیث بر معنای خاص
اتفاق ندارند، از نسب مهدی شروع می‌کنیم: برخی روایات به هاشمی بودن او
اکتفا کرده‌اند، و برخی او را از اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند، و دسته‌ای دیگر او را از
فرزند فاطمه می‌دانند، و برخی از اولاد حسن و برخی از اولاد حسین
می‌شمارند. و برخی او را عباسی و برخی فاطمی می‌دانند».^۲

۱. تفسیرالمنار، ج ۹، ص ۴۹۹ - ۵۰۱. ۲. تراثنا و موازین النقد، ص ۱۸۷.

پاسخ: اولاً: اختلاف، طبیعت تفصیل قضایای ثابت است، لذا استدلال به اختلاف تفصیل یک قضیه بر عدم ثبوت آن مغالطه‌ای بیش نیست؛ و در غیر این صورت نمی‌توان هیچ مسأله از امور اعتقادی را اثبات نمود، زیرا تمام مسایل و قضایا مورد اختلاف واقع شده است.

دلیل مطلب فوق این است که عموم قضایا دارای دو بعد است؛ یکی اصل و روح قضیه، دیگری مرتبط به اوصاف قضیه و تفصیل‌های آن است. اختلاف در تفصیل قضیه، مستلزم اختلاف در اصل قضیه نیست. قضیه مهدویت نیز از همین قبیل است. اگر در برخی از شؤون جزئی حضرت اختلاف است این مستلزم آن نیست که اصل قضیه زیر سؤال رفته و مورد تردید واقع شود.

ثانیاً: در هر یک از مسایل جزئی مورد اختلاف قول حق به اثبات رسیده و از تردید بیرون آمده است.

شبهه چهارم: وقوع شیعه در سند روایات

برخی گمان کرده‌اند که احادیث مهدویت تماماً از جعل شیعه بوده یا لااقل در سلسله سندهایشان کسانی وجود دارند که متهم به تشیع‌اند، لذا روایات مهدویت قابل قبول نیست....

دکتر عبدالعظیم بستوی بعد از نقل این اشکال در پاسخ از آن می‌گوید: «خلاصه مطلب این‌که: معیار در قبول راوی عدالت و ضابط بودن است با قطع نظر از این‌که عقیده او چیست، مگر آن‌که از اسلام خارج شده باشد. این روش بسیاری از علمای قدیم و جدید است... آن‌گاه از علی بن مدینی نقل می‌کند که

اگر روایات اهل کوفه به جهت تشیع ترک شود کتابها خراب خواهد شد یعنی مذهب از هم خواهد پاشید».^۱

او نیز می‌گوید: «از بحث سابق نتیجه گرفتیم که زاوییی که متهم به بدعت گذاری است اگر روشن شود به شهادت امامان جرح و تعدیل که او ثقة و ضابط است، روایاتش بنا بر قول ارجح قبول می‌شود. ولی در عین حال مدار در روایات مهدی بر کسانی که منسوب به تشیع اند نیست». یعنی چه بسیار از کسانی که هیچ نسبتی به تشیع ندارند ولی در عین حال این گونه احادیث را نقل کرده‌اند.

او در آخر می‌گوید: «تا اینجا به دست آمد که بیشتر روایات ثابت در امر مهدی در سندهایشان شخص شیعی وجود ندارد، و روایاتی که این چنین است غالباً شواهدی از طرق دیگر دارند، لذا شبهه از این جهت زائل می‌شود».^۲

شبهه پنجم: اعتقاد به مهدویت منشأ انحراف جامعه!!

احمد امین می‌گوید: «از آثار سوء اعتقاد به مهدویت انقلاب‌های پیاپی در طول تاریخ مسلمانان است، در هر عصری شخصی یا اشخاصی پدید آمده و با یدک کشیدن نام مهدی منتظر مردم را به سوی خود دعوت نموده و گروهی نیز حرف آن‌ها را پذیرفته‌اند و این به نوبه خود باعث مشکلاتی در دول اسلامی شده است...»^۳

ابن محمود قطری نیز می‌گوید: «واضح است که اعتقاد به مهدی و قول به

۱. المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحة، ص ۲۸۰.

۲. همان. ۳. ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۴۴.

صحت خروج او موجب ضررها و مفسد بزرگی شده است چه فتنه‌ها که به وقوع پیوسته و چه خون‌ها که بر سر این مسأله بر زمین ریخته شد...^۱

پاسخ: اولاً؛ شکی نیست که بسیاری از فتنه‌ها از ناحیه مهدویت نیست بلکه مشکل از ناحیه کسانی است که می‌خواهند از این عقیده مهم و پربرکت سوء استفاده شخصی کنند. و نیز اشکال از ناحیه کسانی است که جاهل به امر مهدویت و حقایق آن بوده‌اند. از طرفی دیگر این وظیفه علما و دانشمندان اسلامی است که با روشنگری، مردم را بیدار کرده و جلو این گونه انحرافات را بگیرند.

ثانیاً؛ تنها راه جلوگیری از پدید آمدن فتنه‌ها انکار خروج مهدی در آخرالزمان نیست؛ زیرا بعد از ظهور اسلام و پیامبر اسلام نیز چه بسیار از کسانی که ادعای نبوت کردند و با دعوت خود چه بسیار کسانی که به آنها گرویده و سبب ایجاد فتنه‌ها و آشوب‌ها در جامعه اسلامی شدند، آیا می‌توان به جهت پدید آمدن این فتنه‌ها اصل عقیده به رسالت را انکار کنیم؟ هرگز چنین نیست.

ثالثاً؛ وجود مدعیان مهدویت از افراد حيله‌گر در برخی از زمان‌ها نمی‌تواند در احادیث صحیح‌السند که از رسول اکرم ﷺ وارد شده و مورد تأیید قرآن نیز هست، تأثیر گذاشته و آن‌ها را از اعتبار ساقط کند. لذا باید به این روایات و مضامین آن‌ها اعتماد نمود و عمل کرد، و اگر کسی در صدد سوء استفاده از آن‌ها برآمد شدیداً با آن‌ها به مقابله پرداخت، نه این‌که احادیث مسلم و صحیح را از اعتبار ساقط نمود.

۱. لامهدی ینتظر بعد الرسول خیرالبشر، ص ۵.

به تعبیر دیگر: وظیفه ما قبول حق و رد باطل است، نه این که حق را به جهت وجود مدعیان دروغین ضایع نمود.

شبهه ششم: اعتقاد به مهدویت، منشأ بی تحرکی جامعه
 برخی می گویند: «از آثار سوء اعتقاد به مهدویت و انتظار ظهور مهدی موعود در جامعه اسلامی آن است که مردم را به توکل بر خدا سوق داده و از عمل و مبارزه باز می دارد، و در نتیجه در صدد برپایی مجتمع اسلامی که عدل گستر و ظلم ستیز باشد، نمی باشند».

پاسخ:

شیخ محمد رضا مظفر در پاسخ به این اشکال می گوید: «معنای انتظار مصلح و منجی (مهدی) این نیست که مسلمانان دست روی دست گذاشته و به انتظار منجی به سر برند بدون آن که آن حضرت را یاری کرده و در راه او جهاد نموده و به احکام خدا عمل کنند، و امر به معروف و نهی از منکر انجام دهند، بلکه هر مسلمانی وظیفه دارد که وظایف شرعی خود را شناخته و نهایت سعی و کوشش را در یاری به آن ها بنماید...»^۱

و به بیانی دیگر: انتظار مهدی موعود هیچ گاه وظیفه انسان را نسبت به تکالیف خود از آن جمله امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی کند، خصوصاً این که همه این ها به نوبه خود می تواند زمینه ساز ظهور حضرت گردد؛ زیرا برای ظهور باید زمینه سازی کرد که می تواند تربیت صحیح جامعه، زمینه ساز خوبی برای ظهور حضرت باشد. در این زمینه در بخشی جداگانه به آن پرداخته ایم.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور
- ۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱ - قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسہ رحلی
- ۲ - قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی)
- ۳ - قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمہ)
- ۴ - قرآن کریم / وزیری (ترجمہ زیر، ترجمہ مقابل)
- ۵ - قرآن کریم / وزیری، جیبی، نیم جیبی
- ۶ - کلیات مفاتیح الجنان / عربی
- ۷ - کلیات مفاتیح الجنان / وزیری، جیبی، نیم جیبی
- ۸ - منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی
- ۹ - منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی
- ۱۰ - نہج البلاغہ / وزیری، جیبی
- ۱۱ - صحیفہ سجادیہ
- ۱۲ - ادعیہ و زیارات امام زمان علیہ السلام
- ۱۳ - آئینہ اسرار
- ۱۴ - آثار گناہ در زندگی و راه جبران
- ۱۵ - آخرین پناہ
- ۱۶ - آخرین خورشید پیدا
- ۱۷ - آشنایی با چہارده معصوم (۲۱) / شعر و رنگ آمیزی
- ۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد
- ۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)
- ۲۰ - ارتباط با خدا
- ۲۱ - از زلال ولایت
- ۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ بہ شبہات
- ۲۳ - امامت، غیبت، ظہور
- خط نیریزی / الہی قمشہای
- خط عثمان طہ / الہی قمشہای
- خط عثمان طہ
- خط عثمان طہ / الہی قمشہای
- خط نیریزی / الہی قمشہای
- انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- خط افشاری / الہی قمشہای
- خط افشاری / الہی قمشہای
- خط خاتمی / الہی قمشہای
- سید رضی علیہ السلام / محمد دشتی
- ویرایش حسین وزیری / الہی قمشہای
- واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران
- حسین کریمی قمی
- علی اکبر صمدی
- محمود ترجمی
- واحد تحقیقات
- سید حمید رضا موسوی
- محمد حسن سیف اللہی
- واحد پژوهش
- واحد تحقیقات
- واحد تحقیقات
- علی اصغر رضوانی
- واحد پژوهش

- ۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام / علم الهدی / واحد تحقیقات
- ۲۵ - امامت و ولایت در امامی شیخ صدوق / سید محمد حسین کمالی
- ۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیها السلام (روسی) / آلمات آبسالیکوف
- ۲۷ - امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان / سهراب علوی
- ۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات / علی اصغر رضوانی
- ۲۹ - انتظار بهار و باران / واحد تحقیقات
- ۳۰ - انتظار و انسان معاصر / عزیز الله حیدری
- ۳۱ - اهتیت اذان و اقامه / محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام / حسین ایرانی
- ۳۳ - بامداد بشریت / محمد جواد مروّجی طبسی
- ۳۴ - بهتر از بهار / کودک / شمسی (فاطمه) وفائی
- ۳۵ - پرچمدار نینوا / محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۶ - پرچم هدایت / محمد رضا اکبری
- ۳۷ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشونت طلبی / علی اصغر رضوانی
- ۳۸ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده داری / علی اصغر رضوانی
- ۳۹ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق اقلیت ها و ارتداد / علی اصغر رضوانی
- ۴۰ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق زن / علی اصغر رضوانی
- ۴۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صلح طلبی / علی اصغر رضوانی
- ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد / شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد / شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) / واحد تحقیقات
- ۴۵ - تاریخ سید الشهداء علیه السلام / شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام / سید جعفر میرعظیمی
- ۴۷ - تشریح یافتگان (چهار دفتر) / میرزا حسین طبهرسی نوری
- ۴۸ - جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام / حسین علی پور
- ۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام / حسین گنجی

- ۵۰- چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام
سید صادق سیدنژاد
- ۵۱- چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
احمد سعیدی
- ۵۲- حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت
محمد محمدی اشتیاردی
- ۵۳- حکمت‌های جاوید
محمد حسین فهیم‌نیا
- ۵۴- ختم سوره‌های یس و واقعه
واحد پژوهش
- ۵۵- خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)
عباس حسینی جوهری
- ۵۶- خورشید غایب (مختصر نجم الناقب)
رضا استادی
- ۵۷- خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)
محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۵۸- دار السلام
شیخ محمود عراقی میثمی
- ۵۹- داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام
حسن ارشاد
- ۶۰- داغ شقایق (مجموعه اشعار)
علی مهدوی
- ۶۱- در انتظار متجی (روسی)
آلمات آیسالیکوف
- ۶۲- در جستجوی نور
صافی، سبحانی، کورانی
- ۶۳- در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نمن المهنوم)
شیخ عباس قمی / کمره‌ای
- ۶۴- دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب‌های پیشاور)
کریم شنی
- ۶۵- دلشده در حسرت دیدار دوست
زهرا قزلقاشی
- ۶۶- دین و آزادی
محمد حسین فهیم‌نیا
- ۶۷- رجعت یا حیات دوباره
احمد علی طاهری ورسی
- ۶۸- رسول ترک
محمد حسن سیف‌اللهی
- ۶۹- روزنه‌هایی از عالم غیب
سید محسن خرازی
- ۷۰- زیارت ناحیه مقدسه
واحد تحقیقات
- ۷۱- سحاب رحمت
عباس اسماعیلی یزدی
- ۷۲- سخنرانی مراجع در مسجد جمکران
واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- ۷۳- سرود سرخ انار
الهه بهشتی
- ۷۴- سقا خود تشنه دیدار
طهورا حیدری
- ۷۵- سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات
علی اصغر رضوانی

- ۷۶ - سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی
- ۷۷ - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبداللہی
- ۷۸ - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی) محمد امینی گلستانی
- ۷۹ - سیمای مهدی مرعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاہدی (پروانه)
- ۸۰ - شرح زیارت جامعہ کبیرہ (ترجمہ الشموس الظالمہ) محمد حسین نائیجی
- ۸۱ - شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح
- ۸۲ - صبح فرا می رسد مؤسسہ فرهنگی تربیتی توحید
- ۸۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسدالله ہاشمی شہیدی
- ۸۴ - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی
- ۸۵ - عریضہ نویسی سید صادق سیدنژاد
- ۸۶ - عطر سبب حامد حجتی
- ۸۷ - عقد الدرر فی اخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی
- ۸۸ - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات
- ۸۹ - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان
- ۹۰ - غدیر خم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی
- ۹۱ - غدیر شناسی و پاسخ بہ شبہات علی اصغر رضوانی
- ۹۲ - فتنہ و مہابت علی اصغر رضوانی
- ۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمہ علیہا السلام سید محمد واحدی
- ۹۴ - فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی
- ۹۵ - فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی
- ۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (بخش) حسن صدری
- ۹۷ - قور اکبر محمد باقر فقیہ ایمانی
- ۹۸ - فریادرس حسن محمودی
- ۹۹ - قصہ‌های تربیتی محمد رضا اکبری
- ۱۰۰ - کرامات المہدی علیه السلام واحد تحقیقات
- ۱۰۱ - کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

- ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد)
 شیخ صدوق علیه السلام / منصور پهلوان
- ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)
 حسن بیاتانی
- ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)
 علی اصغر یونسیان (ملتجی)
- ۱۰۵ - گفتمان مهدویت
 آیت الله صافی گلپایگانی
- ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات
 مرحوم حسینی اردکانی
- ۱۰۷ - امام فضیلت‌ها
 عباس اسماعیلی یزدی
- ۱۰۸ - مشکاة الانوار
 علامه مجلسی علیه السلام
- ۱۰۹ - مفرد مذکر غائب
 علی مؤذنی
- ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد)
 موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- ۱۱۱ - منازل الآخرة: زندگی پس از مرگ
 شیخ عباس قمی علیه السلام
- ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه
 حسین ایرانی
- ۱۱۳ - منشور نینوا
 مجید حیدری فر
- ۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات
 علی اصغر رضوانی
- ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات
 عزیزالله حیدری
- ۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی
 العمیدی / محبوب القلوب
- ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد
 علامه مجلسی علیه السلام / ارومیه‌ای
- ۱۱۸ - مهربان‌تر از مادر / نوجوان
 حسن محمودی
- ۱۱۹ - مهر بیکران
 محمد حسن شاه‌آبادی
- ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)
- ۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا)
 سید مهدی حائری قزوینی
- ۱۲۲ - نجم الثاقب
 واحد تحقیقات
- ۱۲۳ - نجم الثاقب (دو جلدی)
 میرزا حسین نوری علیه السلام
- ۱۲۴ - ندای ولایت
 میرزا حسین نوری علیه السلام
- ۱۲۵ - نشانه‌های ظهور او
 بنیاد غدیر
- ۱۲۶ - نشانه‌های یار و چکامه انتظار
 محمد خادمی شیرازی
- ۱۲۷ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات
 مهدی علیزاده
 علی اصغر رضوانی

- ۱۲۸ - نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران
- ۱۲۹ - نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام محمد رضا اکبری
- ۱۳۰ - و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی
- ۱۳۱ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۱۳۲ - وظایف منتظران واحد تحقیقات
- ۱۳۳ - ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام سید نورالدین جزائری
- ۱۳۴ - هدیه احمدیه / اجیب، نیوجیبی میرزا احمد آشتیانی رحمته الله علیه
- ۱۳۵ - همراه یا مهدی منتظر مهدی فتلاوی / بیژن کرمی
- ۱۳۶ - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی
- ۱۳۷ - یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد خجّتی
- ۱۳۸ - منابع الحکمة / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزیدی

جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن‌های ۰۷۲۵۳۷۰۰، ۰۷۲۵۳۳۴۰، ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید. کتاب‌های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می‌گردد.

سایر نمایندگی‌های فروش:

تهران: ۰۸۳-۶۶۹۳۹۰۸۳، ۰۶۶۹۲۸۶۸۷-۰۲۱

یزد: ۰۶۲۴۶۴۸۹-۲، ۰۶۲۸۰۶۷۱-۰۳۵۱

فریدونکار: ۰۱۴-۵۶۶۴۲۱۲-۰۱۲۲